

از براندازی به برکناری!

آمریکا که با توهم براندازی نظام ایران وارد جنگ
شد، تاکنون ۱۲ ژنرال خود را توسط وزیر جنگ برکنار
کرده است



به نقل از رویترز، مشرق به آتلانتیک فاش کرد
که دولت ترامپ در حال بررسی تغییرات
احتمالی در صاحبان مناصب کلیدی از جمله
مدیر ای بی آی، وزیر انرژی و وزیر کار است.
در این گزارش آمده است، زمان اجرای
تغییرات هنوز مشخص نشده و ترامپ هنوز
تصمیم نهایی را در این خصوص نگرفته اما
شاید حاکی از احتمال ایجاد تغییرات
کسب شده در کابینه است.
رئیس جمهور آمریکا روز گذشته در اقدامی
ناتوانی «هم باندی» دادستان کل این کشور را
از سمت خود برکنار و تاد بلانچ معاون وی را به
معاون سرپرست جدید این وزارتخانه منصوب
کرد.
ترامپ در بیانیه خود با لحنی که تلاش می کرد
این برکناری را یک «تغییر اداری» جلوه دهد،
باندی را یک «وطن پرست بزرگ» و
«دوست وفادار» خطاب کرد.



عصر
روزنامه پنهانی اقتصادی
شنبه
۱۵ فروردین ۱۴۰۵ • ۱۵ شوال ۱۴۴۷ • 4 April 2026
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال چهارم • شماره هفتصد و هشتاد و هفت
www.asrghanoon.ir



بسته موندن
تنگه یار فاه
سابق؟

مهرداد بذریاش در یادداشتی
با اشاره به اینکه ثبات در
خلیج فارس، به طور مستقیم
با سلامت و پایداری اقتصادهای بزرگ در سراسر جهان
گره خورده است نوشت: واقعیت تلخ برای غرب آن
است که هیچ جایگزین کوتاه مدتی برای انرژی خلیج
فارس وجود ندارد و هرگونه تشدید عملیات نظامی، نه
تنها امنیت منطقه، بلکه رفاه اقتصادی شهروندان غرب و
شرق جهان را نیز به خطر خواهد انداخت.
متن کامل یادداشت مهرداد بذریاش با عنوان «جایگاه
ژئوپلیتیک انرژی غرب آسیا و پیامدهای جنگ؛ بازتعریف
معادله قدرت» به شرح زیر است:
جایگاه ژئوپلیتیک انرژی منطقه و پیامدهای جنگ
منطقه غرب آسیا و حوزه خلیج فارس، به مثابه قلب
تپنده انرژی جهان، نقشی بی بدیل در تأمین انرژی جهانی
و شکل دهی به نظم بین المللی ایفا می کند. این منطقه،
به واسطه در اختیار داشتن بیش از نیمی از ذخایر اثبات
شده نفت و گاز جهان، همواره در کانون توجه قدرتهای
بزرگ و رقابتهای ژئوپلیتیکی فزاینده بوده است. موقعیت
استراتژیک این منطقه، به ویژه در مجاورت با آب راه های
حیاتی نظیر تنگه هرمز، باب المندب و کانال سوئز، آن را
به گلوگاهی برای انتقال انرژی و تجارت جهانی تبدیل
کرده است. این ویژگی، آسیب پذیری خاصی را نیز
برای این منطقه به همراه دارد، زیرا هرگونه بی ثباتی
یا درگیری می تواند پیامدهای گسترده ای بر بازارهای
جهانی انرژی و اقتصاد جهانی داشته باشد.
جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگترین
دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان و با برخورداری از
موقعیت استراتژیک منحصر به فرد نقشی محوری در
امنیت انرژی جهانی ایفا می کند. دسترسی به آبهای
آزاد از طریق خلیج فارس و دریای عمان، به ویژه تسلط
بر تنگه راهبردی هرمز، به ایران امکان می دهد تا
بر جریان انتقال انرژی و تجارت دریایی در این منطقه
حساس، تأثیر قابل توجهی داشته باشد. این موقعیت
ژئوپلیتیک ایران را به بازیگری کلیدی در معادلات منطقه
ای و بین المللی تبدیل کرده است.
در شرایط کنونی که منطقه غرب آسیا درگیر جنگی
ترکیبی و پیچیده شده است، درک عمیق ابعاد این
درگیری و تأثیرات چندوجهی آن بر بازار انرژی، از اهمیت
حیاتی برخوردار است.

۵



مکانی امن برای نسل بعد

در صفحه ۸ خوانید



تاریال آخر مصادره میکنیم

در صفحه ۵ بخوانید

وحشت حکام کشورهای خلیجی

در صفحه ۴ بخوانید

هدف از افزایش قدرت نظامی، بازدارندگی است



و مرزهای آبی ایران متوقف شود و فرصت استثنایی برای حضور قدرتی جدید در منطقه به نام ایران به وجود آورد و در عمل برای نخستین بار فرمول نظامی و معادلات آمریکا علیه کشور دیگری به بن بست رسید.

ابوترابی فرد با اشاره به تحلیل رابرت پیپ استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو گفت: وی می‌نویسد که تا پیش از این جنگی که علیه کشورمان در حال انجام است، در جهان درباره سه قدرت جهانی بحث می‌کردیم که شامل آمریکا، روسیه و چین بود ولی امروز شاهد قدرت جدیدی به نام ایران در سطح جهان هستیم. به عبارتی این استاد برجسته علوم سیاسی تأکید دارد که سالها جنگ علیه ایران را شبیه سازی کرده بودم و این جنگ نباید رخ می‌داد. چرا که نتیجه این جنگ برای آمریکا بدتر از جنگ ویتنام است. وی افزود: او می‌نویسد هرچند که این واقعیت برای ما مشکل است اما ایران به مرکز قدرت جدید جهانی تبدیل می‌شود و جهان باید با این مرکز قدرت جدید زندگی کند.

آمریکا در مقابل ایران در سه حوزه میدان، سیاست و حمایت مردم شکست خورده است

خطیب موقت نماز جمعه تهران با اشاره به مقایسه ایران و آمریکا در سه میدان نبرد، سیاست و خیابان در جنگ فعلی اظهار کرد: آمریکا در میدان نبرد بزرگ‌ترین ناو جنگی خود یعنی جرالند فورد را به منطقه آورد ولی با موشک‌های سیاه و ارتش مورد هدف قرار گرفت و به مدت ۳۰ ساعت در آتش سوخت و از میدان خارج شد و تا یک سال دیگر هم نمی‌تواند در هیچ عملیاتی شرکت کند. همچنین ناو آبراهام لینکلن برای اینکه از تیر رس موشک‌های نیروهای مسلح ایران اسلامی در امان باشد، از منطقه دور شد و به صورت مداوم در حال تغییر محل خود برای جلوگیری از آسیب موشکی و پهپادی است.

ابوترابی فرد با اشاره به ۳۰ پایگاه آمریکا در منطقه که در این مدت زیر ضربات سنگین موشکی و پهپادی ارتش و سپاه قرار داشته و دارند، تصریح کرد: در میدان و خیابان‌های آمریکا هم مردم شهرهای مختلف ایالات متحده، سیاست‌های تجاوز طلبانه حاکمان آمریکا را محکوم کردند و خواستار پایان جنگ شدند.

وی اضافه کرد: در میدان سیاست نیز یکی از اندیشمندان آمریکا پس از سخنان رئیس جمهور آمریکا گفت که ترامپ در حال برنامه‌ریزی برای شکست با شعار پیروزی است. اما ایران در میدان نبرد، پایگاه‌های آمریکا در منطقه را به صورت مداوم مورد حمله قرار می‌دهد و در سرزمین‌های اشغالی هر ۳۰ دقیقه صدای آژیر برای حملات موشکی نیروهای مسلح کشورمان به صادر درمی‌آید. از طرفی در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور شاهد حضور زنان، مردان و کودکان در کنار قدرت تهاجمی و بازدارنده نیروهای مسلح کشورمان هستیم.

■ حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدحسن ابوترابی فرد در خطبه‌های نماز جمعه تهران که در مصلی بزرگ امام خمینی(ره) برگزار شد با تأکید بر اهمیت امنیت برای رشد و پیشرفت جامعه اسلامی گفت: قرآن کریم به زیبایی جایگاه اقتدار آفرین دفاعی را تبیین می‌کند و می‌گوید: جامعه اسلامی باید در مرز قدرت سیاسی، نظامی و دفاعی حرکت کند.

خطیب موقت نماز جمعه تهران با بیان اینکه درنگ و توقف در تقویت بنیه دفاعی ممنوع است و مردم و جامعه اسلامی در هر نقطه از قدرت که باشند، این استعداد را دارند که به نقطه برتر حرکت کنند؛افزود: قرآن به قدرت نظامی مسلمانان در همه بخش‌ها از جمله قدرت زمینی، هوایی و دریایی تأکید دارد که هدف آن قدرت بازدارندگی است.

ابوترابی فرد در ادامه یادآور شد: امام راحل شهید حضرت آیت الله خامنه‌ای بزرگ، در طول ۴ دهه از همه ظرفیت مدیریتی خویش بهره گرفت تا ایران و امت اسلامی، ملتهای منطقه و محور مقاومت را در اریکه این قدرت قرار دهد و این حماسه بزرگ را که ملت نستوه ایران در روزهای گذشته در میدان نبرد و میدان خیابان خلق کرده‌اند، انرژی و جهت خود را از اراده امام شهید راحل گرفته است.

وی تأکید کرد: امام بزرگوار خمینی کبیر در سرزمین ایران، پرچم جمهوری اسلامی را برافراشت و مردم این کشور در ۱۲ فروردین پایه‌های این حکومت را استحکام بخشیدند و امام شهید نیز این حکومت را در طول ۴ دهه سامان داد و به بار نشاند. حتی اندیشمندان و صاحب‌نظران در دوران معاصر از فهم و نفوذ سیاسی روحانیت تربیت یافته در مدرسه قرآن در بین مردم عاجز هستند.

خطیب موقت نماز جمعه تهران در ادامه سخنان خود، جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی را سبب معرفی ایران به عنوان یکی از قدرتهای برتر جهان دانست و گفت: برای نخستین بار فرمول نظامی و معادلات آمریکا علیه کشور دیگری به بن بست رسید و قدرتی جدید در جهان ظهور کرد.

ابوترابی فرد افزود: یکی از اتفاقات مهم پس از جنگ جهانی دوم، جنگ رمضان و عملیات غرور آفرین وعده صادق (۴) است که از ایران به عنوان قدرت جدید رونمایی کرد. اما این سوال برای مردم و کشورهای جهان مطرح است که چرا آمریکا برای دومین بار بدون هیچ قاعده حقوقی و سیاسی ایران را مورد تهاجم قرار داد.

خطیب موقت نماز جمعه تهران با اشاره به استفاده از قدرت نظامی توسط آمریکا برای توسعه اقدامات نامشروع خود در سطح جهان، افزود: بسیاری از اندیشمندان آمریکا تأکید دارند که هژمونی کنونی و جایگاه برتر این کشور در جهان، خودبینی، استکبار و سلطه‌گرایی آمریکا نیست، بلکه واقعیت قدرت طلبی آمریکا در جهان است. چرا که آمریکای قوی زمانی نمود دارد که قدرت نمایش ویرانگری داشته باشد و در برابر قدرت‌های منطقه‌ای که تصمیم به تغییر وضع موجود دارند، وارد عمل شود.

وی افزود: به عبارتی پیام آمریکا به کشورهای که در اروپا و خاورمیانه خیالاتی برای تغییر در سر دارند، این است که حتی فکرش را هم نکنید. بر همین اساس بر اساس این فرمول دیکته شده در اندیشه‌های آمریکا، سیاست‌هایی که خلاف برنامه ها و اهداف آمریکا حرکت می‌کند، باید در هم شکست شده و در این راه باید از انرژی‌و دیپلماتیک، فشار خارجی، تحریم، جنگ ترکیبی و تهاجم نظامی ویران کننده بهره برد که ایران اسلامی همه آنها را تجربه کرده است.

ابوترابی فرد تأکید کرد: تمام کشورهای هم پیمان آمریکا، کشورهای تحت سلطه هستند و از این منظر آنچه که واشینگتن را در برابر ایران به میدان آورده، امتداد سلطه گرایی و استکبار است که این دستگاه ویران کننده را کشورهای حاضر در آمریکای لاتین تا خاورمیانه، بارها آزموده‌اند.

وی همچنین با اشاره به ایران اسلامی که امام شهید آن را در چهار دهه ساخت و سبب قدرت نظامی، دفاعی و بازدارندگی کشور شد، گفت: این قدرت نظامی سبب شده که غول آمریکایی در خاورمیانه



«ایران خانه ماست» در جنگ به یک باور عمومی تبدیل شد

■ الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، در ویژه‌نامه «جنگ رمضان» شبکه خبر سیمه، با اشاره به ابعاد مختلف جنگ اخیر، اظهار کرد: از ملت ایران تشکر می‌کنم و قدردان همراهی آن‌ها هستم. این جنگ، جنگی بسیار بزرگ بود و خوشبختانه ملت ما درک درستی از شرایط پیدا کرد.

وی افزود: با یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر مواجه شدیم؛ جنگی میان جمهوری اسلامی ایران یا دو قدرت بزرگ نظامی جهان و منطقه. از یک سو رژیم صهیونیستی با پیشرفته‌ترین تجهیزات و فناوری‌های نظامی و از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا که به‌عنوان دهرت برتر جهانی شناخته می‌شود. هر دو این بازیگران با این تصور وارد میدان شدند که می‌توانند ایران را تجزیه کرده و نظام جمهوری اسلامی را از هم بپاشند.

حضرتی ادامه داد: در سال‌های گذشته بارها در اندیشه‌های غربی مطرح شده بود که ایران کشوری بزرگ است و باید به چند کشور کوچک‌تر تقسیم شود تا امکان سلطه‌پذیری آن فراهم شود. هدف اصلی آن‌ها تجزیه ایران، فروپاشی نظام و در نهایت تسلط بر منابع نفتی کشور بود. رئیس‌جمهور آمریکا نیز بارها به‌صراحت اعلام کرده بود که نفت ایران را می‌خواهد و حتی در تعیین رهبری ایران باید نقش داشته باشد.

وی گفت: بر اساس همین تصورات، آن‌ها گمان می‌کردند با یک حمله سریع و چندروزه می‌توانند کار را تمام کنند. حتی این تصور برای ترامپ ایجاد شده بود که اگر در همان روزهای ابتدایی، رهبری نظام و فرماندهان ارشد را هدف قرار دهد، ظرف مدت کوتاهی نظام از هم خواهد پاشید. این تحلیل بر پایه برداشت‌های نادرستی بود که از برخی حوادث داخلی به آن‌ها القا شده بود.

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت تصریح کرد: آنچه در عمل رخ داد، کاملاً خلاف این محاسبات بود. با وجود ضربات سنگینی که از جمله شهادت برخی از بزرگان و فرماندهان متحمل شدیم، ملت ایران با انسجام بی‌نظیر وارد میدان شدند. همه اختلاف‌نظرها کنار گذاشته شد و مردم با هر گرایش و سلیقه‌ای، حول محور دفاع از ایران به صحنه آمدند و شعار «ایران خانه ماست» به یک باور عمومی تبدیل شد.

وی افزود: از همان ساعات اولیه، حضور مردم در صحنه بسیار چشمگیر بود. میداین و خیابان‌ها مملو از جمعیتی شد که با آگاهی و هوشیاری از کشور خود دفاع می‌کردند. این سلط از درک و واکنش مردمی در تاریخ کم‌نظیر است. در شرایطی که کشور در حال طی فرآیندهای قانونی برای جایگزینی مدیریت‌های از دست‌رفته بود، مردم با حضور خود اجازه ایجاد خلأ را ندادند.

حضرتی ادامه داد: در حوزه مدیریتی نیز ساختارهای قانونی به‌خوبی عمل کردند. شورای موقت رهبری شکل گرفت و مجلس خبرگان در مدت کوتاهی فرآیند انتخاب رهبری جدید را به سرانجام رساند. در این فاصله، با وجود حساسیت شرایط، امور کشور با قدرت ادامه یافت و ملت نیز همراهی کامل داشتند.

وی با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح گفت: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بلافاصله و با قدرت وارد عمل شدند پاسخ‌ها سریع، دقیق و کوبنده بود. برخلاف تصور دشمن، این‌بار ایران با اطلاع قبلی اقدام نکرد و ابتکار عمل را در میدان به دست گرفت. ما هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبودیم، اما در دفاع از خود توانمند، با تجربه و آماده هستیم.

■ جنگ فعلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران را کارشناسان «نخستین جنگ مبتنی بر هوش مصنوعی در مقیاس بالا» نامگذاری کرده‌اند. سرعت و دقت و حجم حملات آمریکا و اسرائیل در حوزه نظامی برای افکار عمومی محسوس است، اما شاید بتوان مهمترین پرسش این روزهای نخبران و مردم درباره این جنگ را اینطور صورت‌بندی کرد: چگونه است که آمریکا و اسرائیل از نظر استفاده تمام عیار از هوش مصنوعی و بهره‌مندی از بهترین تکنولوژی نظامی در جهان دست برتر را دارند اما از نظر راهبردی به ادعان اندیشه‌کدها و کارشناسان شکست راهبردی خورده‌اند؟

بر اساس مطالب متعددی که این روزها در اندیشه‌کدهای آمریکایی و اروپایی درباره پشت صحنه هوش مصنوعی و جنگ منتشرشده، می‌توان پاسخ به پرسش این متن را استخراج کرد

برتری تاکتیکی، سرعت، مقیاس و دقت هوش مصنوعی، به‌ویژه در قالب سامانه‌هایی مانند Maven، اساساً برای حل یک مسئله طراحی شده است: کاهش زمان و افزایش دقت در چرخه تصمیم‌گیری عملیاتی. این سامانه‌ها می‌توانند حجم عظیمی از داده‌ها، از تصاویر پهپادی تا سیگنال‌های الکترونیکی، را در زمانی بسیار کوتاه تحلیل و الگوها را شناسایی کنند و پیشنهادهایی برای اقدام ارائه دهند.

در جنگ اخیر، این توانایی به آمریکا و اسرائیل امکان داده است که: اهداف بیشتری را در زمان کمتر شناسایی کنند، حملات را با دقت بالاتری اجرا کنند،

و فاصله میان «شناسایی هدف» تا «اقدام» را به حداقل برسانند. به تعبیر دقیق‌تر، هوش مصنوعی موجب شده است که جنگ در سطح تاکتیکی به یک فرایند شبه‌خودکار با سرعت بالا تبدیل شود. این همان چیزی است که در ادبیات نظامی از آن به‌عنوان «Comperssion of decision time» یاد می‌شود.

اما همین‌جا اولین محدودیت اساسی ظاهر می‌شود. محدودیت بنیادی هوش مصنوعی: ناتوانی در درک راهبرد هوش مصنوعی، حتی در پیشرفته‌ترین شکل خود، فاقد آن چیزی است که می‌توان آن را «درک راهبردی» نامید. این ناتوانی از چند



وحدت و حضور بزرگ‌ترین عامل ظفر بردشمن آمریکایی-صیehونی

■ ابراهیم عزیزی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در یادداشتی به تحلیل شرایط جنگ امروز و رفتاری که دشمن از دیرباز با ایران داشته پرداخت.

متن یادداشت نماینده مردم تهران به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکیل و استمرار و تقویت همیشگی جمهوری اسلامی ایران بحکم شرع و عقل واجب و ضروری است که از آن جمله ضرورت دفاع از اسلام و سرزمین ایران و مردم عزیز ایران، تحقق قسط و عدل، مبارزه و دفع فتنه و ظلم و ظالمان و متجاوز و احقاق حق و اجرای احکام نورانی اسلام و بندگی خدای بزرگ و ترویج دین و اخلاق و مبارزه با فساد و تباهی و کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا و پاسخ قفهی به حوادث واقعه و جهاد در راه خدا می‌باشد.

در جمهوری اسلامی ایران قوانین و مقررات و موازین اسلامی و تکالیف الهی حاکم است. در جمهوری اسلامی ایران برای اجرای احکام نورانی اسلام به نحو کامل و دقیق و صحیح و به موقع رهبر فقیه و عادل و توانا قرار دارد. در جمهوری اسلامی ایران مردم سالاری اسلامی برقرار است. مردم با بندگی خدا با عشق به اسلام و پیروی چهارده معصوم(س) و بیعت و اطاعت از نائب بر حق امام زمان(عج) رهبر معظم انقلاب اسلامی مشمول برکات حاکمیت خدا و عنایت الهی و ولایت مطلقه فقیه می‌باشند که از آثار بی بدیل آن سعادت دنیا و آخرت، عزت، استقلال، اقتدار وتمامیت ارضی و پیشرفت و کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خداست.

انقلاب اسلامی با این میانی به لطف خدا و هدایت امام عصر(عج) و رهبری امام کبیر و حضور یکپارچه مردم همدل و هم‌زبان فداکار و شجاع و ایثارگر جان بر کف بنده خدا و عاشق چهارده معصوم(س) و پیروی رهبری و با تقدیم خون پاک شهیدان به پیروزی رسید خون بر شمشیر استکبار و طاقوت غلبه پیدا کرد. لشکرخدا، لشکرشیطان را شکست داد و آمریکای جهانخور شیطان بزرگ ضدبشر و فرعون زمان نوکر خبیث آمریکای جنایتکار پهلوی فاسد ظالمان غارتگر ضد ایران وضد ایرانی که هم قاتل ایرانیان بود و هم بخشی از ایران را از ایران جدا کرد، به درک واصل و نابود شدند.

برخی شعارهای انقلاب به این صورت بود. الله اکبر، خمینی رهبر/ نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است/ استقلال آزادی جمهوری اسلامی. در ۲۲بهمن سال ۱۳۵۷خداى لطیف قدیر پیروزی را نصیب ایران و ایرانی اعشورایی و امام رضایی و امام زمانی‌ها رهبری امام خمینی کبیر(ره) کرد.

مردم ایران اسلامی که قبلاً با تقدیم خون پاک شهدا در شعارهایشان نوع حکومت را با خون شهیدان امضا کرده بودند در یوم الله دوازدهم فروردین سال۱۳۵۸ در ۹۸۲درصد دارندگان حق رأی بر اساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق وعدل به جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دادند.

براساس اصول قانون اساسی که میثاق دینی و ملی مردم ایران اسلامی است جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل اول حکومت حق وعدل است و مطابق اصل دوم جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا(لا اله الا الله) اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا، عدل الهی در خلقت و تشریع و امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی و کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا از سه راه اجتهاد مستمر، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و نفی سلطه گری و سلطه پذیری برای سه هدف قسط و عدل، استقلال، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی.

در اصل سوم تمام همت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهدافی است از جمله ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و تأمین آزادی و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش و رفع تبعیض نژادوا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و نظام اداری صحیح و تقویت کامل بنیه دفاعی پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه و تأمین خودکفایی و تحکیم برادری اسلامی و حمایت از مستضعفان

در اصل چهارم تأکید دارد همه قوانین و مقررات اسلامی باشد و در اصل پنجم تصریح دارد در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج)در جمهوری اسلامی ایران ولایت امروامامت امت بر عهده فقیه عادل وبا تقوی آگاه به زمان شجاع مدیر مدبر است و در اصل۱۰۹به تفصیل شرایط وصفات را تشریح نموده است براساس اصول ششم و هفتم وفصول ششم و هفتم اداره کشور متکی به آراء عمومی است ومطابق آیات «وامرهم شوری بینهم»و«شاورهم فی الامر»-شوراها از ارکان تصمیم گیری می‌باشند.

اسرائیل نتیجه حتمی تمدن غربی و طغیان خود خواهانه بشری است



سینا برد تا از آنجا به فلسطین بروند. ارتباط آنان با فلسطین بدین سبب بود که حضرت ابراهیم (ع) از فلسطین عبور کرده بود، وگرنه در حقیقت خود ابراهیم (ع) نیز متولد فلسطین نبود و فقط از این منطقه عبور کرده بود.

آنان تصمیم گرفتند که به آن سرزمین بروند. وقتی از مصر بیرون آمدند، در اثر عقده‌های پیشین و مشکلات روانی و اوضاع اجتماعی ای که داشتند، خود را در برابر راهی طولانی و سختی‌های بسیار یافتند. از این رو، در برابر موسی (ع) شروع به بهانه گیری کردند و گفتند: مگر در مصر نانی برای خوردن و قبری برای دفن ما نیافتی که ما را به این منطقه آوردی؟ آنان به موسی گفتند که از خوردن گز انگبین و بلدرچین خسته شده‌اند و علی رغم ستم‌هایی که در مصر از آن رنج می‌بردند، از موسی خواستند همان غذاهای ساده ای را که می‌خوردند، برایشان فراهم کند. آنان دوره‌ای را سرگردان در صحرای سینا گذراندند تا اینکه به سرزمین فلسطین رسیدند. گویا آنان طی این دوره از همه بشریت کینه به دل گرفتند. از این رو، وقتی وارد فلسطین شدند، بسیاری از اهالی فلسطین را کشتند و بخش‌های بسیاری از این سرزمین مقدس را اشغال و ساکنان آن را آواره کردند. ساکنان این منطقه قبایل گوناگونی بودند که بنابر آنچه از برخی منابع تاریخی بر می‌آید، عرب‌هایی بودند که از شبه جزیره به آنجا مهاجرت کرده بودند. آنها در این دوره شروع به سوءاستفاده از مردم و سبطره جویی بر آنان کردند و در صدد برآمدند که برتری خود بر دیگران را به اثبات برسانند تا از این راه، اشغالگری و سبطره جویی خود را توجیه کنند و خلأ روحی ناشی از عقده‌های روانی را پر کنند. عقده‌هایی که در دوره گذشته از آن رنج می‌بردند.

آنان در این دوره، تاریخ و اعتقادات خود را پایه گذاری کردند و طبیعتاً، این کاری زیربنایی بود. آنان قطور می‌توانستند خود را برتر از دیگران بدانند؟ شریعت داشتند. همه می‌دانند. آنان به خدای یگانه ایمان داشتند و به این ایمان افتخار می‌کردند. ملت‌هایی که در فلسطین و منطقه خاورمیانه و لبنان و سوریه زندگی می‌کردند نیز به خدای یگانه ایمان داشتند. آنان خدای یگانه خود را «ایل» می‌نامیدند. بنابراین، خدای آنان یکی بود و هیچکس بر دیگری برتری نداشت.

آنان در ابتدا در آموزه‌ای خود کلمه «ایل» را به کار می‌بردند و حتی کلمه اسرائیل و نام بسیاری از فرشتگان همچون اسرافیل نیز برگرفته از همین کلمه ایل است. اما در صدد برآمدند که خود را به طور کامل از دیگر مردم جدا کنند و برای خود امتیاز قائل شدند و خدای یگانه خود را «یهوه» نامیدند. با این روش، آنان خود را به طور کامل از مردم جدا کردند و ملت برگزیده خداوند خواندند و دیگران را انسان‌های درجهٔ دو تلقی کردند. به دیگر سخن، خود را آفریدگان خدای یعقوب، خدای اسرائیل، به شمار آوردند.

پس از این مرحله که آنان خود را از جهت آفرینش و نژاد، برتر از دیگر انسان‌ها دانستند. مشکل پا گرفت و سبب شد آنان در کمین فرصت باشند تا ثروت فرزندان آدم از هر نوع و هر جنسی را غارت و آنان را تحقیر کنند و به مثابهٔ ابزارهایی برای شوخیست کردن فرزندان اسرائیل به کارگیرند.

■ علما، اندیشمندان، روشنفکران و پژوهشگران اسلامی از سالهای نخست اشغالگری صهیونیست‌ها در فلسطین همواره در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی به بررسی ابعاد این مساله پرداخته‌اند و سعی در روشنگری فضای عمومی ایران و جهان اسلام داشته‌اند و اصولاً یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی مساله حمایت شاه از اسرائیل بود. امام خمینی در مصاحبه‌ای در این‌باره می‌فرماید: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است. من همیشه در مطالبیم گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل به‌وجود آمد، با او هم‌کاری کرده؛ و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده‌بود، شاه، همچنان نفت مسلمان را غصب کرده، به اسرائیل می‌داد و این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده‌است.»

امام موسی صدر از روزهای نخست آغاز فعالیت‌های جهادی خود در لبنان که از شهر صور لبنان شروع شده بود به مساله فلسطین و انقلاب قدس توجه ویژه ای داشت و او را می‌توان بنیانگذار مقاومت در لبنان علیه دشمن اسرائیلی دانست همچنان که این مساله بارها از سوی محسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان مورد تاکید قرار گرفته است.

امام موسی صدر در سخنرانی تلویزیونی در تلویزیون کویت با عنوان «بعد دینی مساله فلسطین» می‌گوید: همه ما می‌دانیم که مشکل فلسطین و به طور خاص مشکل اسرائیل، در رأس همه مشکلات و اندوه‌های ما قرار دارد. درباره این مشکل بسیار سخن گفته‌اند و درست نیست که من گفته شده‌ا را تکرار کنم. دوست دارم در ابتدای صحبت‌هایم درباره بُعدی صحبت کنم که از آن کمتر سخن گفته‌اند. بُعدی که با من در مقام عالم دین تناسب دارد، یعنی بُعد دینی مشکل فلسطین. به نظر من این بُعد، پایه و اساس مشکل است که متأسفانه در بسیاری از مباحث آن را نادیده می‌گیرند. همانگونه که از نام اسرائیل و نام شورای کنیست و از انتخاب قدس به پایتخت اسرائیل و نامگذاری آن به اورشلیم و بسیاری دیگر از برخوردهای شخصیت‌های سیاسی و نظامی اسرائیل برمی‌آید، این مشکل، بُعد دینی بسیار بزرگی دارد. اصلی ترین بُعد مساله بُعد دینی بود که بعدها به بُعد نژادی تبدیل شد.

در حقیقت، ما باید این بُعد را به طور کوتاه بررسی کنیم؛ بُعدی که اسرائیل عصر ما را به اسرائیل کهن پیش از میلاد مسیح (ع) پیوند می‌دهد. می‌دانیم که فرزندان اسرائیل یا به تعبیر قرآن کریم بنی‌اسرائیل، در مصر زندگی می‌کردند و در دوره کوتاهی عده شان فراوان شد. متأسفانه، آنها از پاکي ملت مصر سوءاستفاده کردند و شروع به بازی با بسیاری از مقدار و امور سرنوشت ساد مصر کردند و از جایگاه حضرت یوسف (ع) نیز که ملت مصر را از قحطی نجات داد، سوءاستفاده کردند.

این اوضاع و احوال سبب شد که ملت مصر بر ضد آنان قیام کنند و فرعون نیز از آنان انتقام گرفت و آنان را تحقیر کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلٰی الْاَرْضِ وَجَحَلْ اٰهْلُهٗا شِیْثًا یَسْتَضِعُّ فِیْهَا مِثْمُومٌ یَّذِیْحُ اَنْۢیَۤاهُمۡ وَیَسْتَحْیِی نَسَۤاهُمۡ. سرانجام، خداوند متعال پیامبرش موسی (ع) را برانگیخت. موسی آنان را نجات داد و به این اوضاع و احوال سبب شد که مرز جغرافیایی ساده، با هویتی تاریخی و معنوی گره خورده است که در طول هزاره‌ها، بقای خود را وامدار پدیده‌ای به نام «مقاومت ملی» می‌داند. ایران به دلیل موقعیت راهبردی در قلب فلات ایران و به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، همواره در معرض تلاطم‌های سیاسی و تهاجمات نظامی بوده است.

این سرزمین که بارها شاهد یورش‌هایی از سوی مقدونیان، رومیان، مغولان و قدرت‌های استعماری معاصر بوده، هیچ‌گاه در برابر اراده مهاجم سر فرود نیاورده و همواره از دل خاکستر شکست‌های موقت، شعله استقلال‌خواه برافروخته است.

مقاومت ملی در تاریخ ایران، نه یک واکنش تصادفی، بلکه برآمده از یک ساختار فکری است که «دفاع از کیان» را وظیفه‌ای مقدس قلمداد می‌کند. این نوع مقاومت، ریشه در انگیزه‌های عمیقی دارد که میان دفاع از سرزمین، آیین و شرافت انسانی پیوند برقرار می‌کند. برای درک بهتر این ایستادگی، باید به عمق تاریخ سفر کرد؛ جایی که در میانه فروپاشی یک امپراتوری، نامی همچون «آریوبرزن» به عنوان مظهر پایداری بر تارک تاریخ می‌درخشد.

در تحلیل ریشه‌های جنگ و مقاومت، همواره باید میان جنگ‌های توسعه‌طلبانه و جنگ‌های دفاعی یا تحمیلی تمایز قائل شد. جنگ تحمیلی، وضعیتی است که در آن یک ملت، بدون آنکه قصدی برای تجاوز داشته باشد، با هجوم همه‌جانبه دشمنی مواجه می‌شود که هدفش نابودی تمامیت ارضی، غارت منابع یا از بین بردن هویت فرهنگی آن ملت است. در چنین شرایطی، انگیزه دفاعی به موتور محرک جامعه تبدیل می‌شود. برخلاف جنگ‌های انگیزش‌یافته از طمع که با نخستین شکست‌ها رو به زوال می‌روند، مقاومت در جنگ‌های تحمیلی به دلیل پیوند با غریزه بقا و ایمان قلبی، حالتی فرسایشی برای دشمن و حماسی برای مدافع پیدا می‌کند.

در راه حفاظت از تمامیت ارضی ایران، جان خود را فدا کرد تا ثابت کند که سرزمین ایران، حتی در ضعیف‌ترین دوران سیاسی‌اش، فرزندان‌ای دارد که تن به یوغ یگانه نمی‌دهند.

تاریخ ایران مملو از چنین تقابل‌هایی است؛ جایی که متجاوز با تکیه بر ابزار نظامی برتر وارد می‌شود، اما در نهایت با دیوار مستحکم اراده مردمی برخورد می‌کند که مرگ با عزت را بر زندگی در زیر یوغ یگانه ترجیح می‌دهند.

در دوران باستان، یکی از نامدین‌ترین تیلورهای این اراده، در نبرد «درند پارس» رقم خورد. اسکندر مقدونی که پس از پیروزی در نبرد خویش، رویایی تسخیر کامل امپراتوری هخامنشی و دست‌اندازی به ثروت‌های تخت‌جمشید را در سر می‌پروراند، با مقاومتی روبرو شد که محاسبات نظامی او را به چالش کشید. آریوبرزن، سردار شجاع ایرانی، در این برهه حساس نه تنها به عنوان یک فرمانده نظامی، بلکه به عنوان آخرین سد دفاعی از قلب پهنه ایران قد علم کرد. او که می‌دانست ارتش کلاسیک با چالش‌های دیوارهای جدی روبروست، با بهره‌گیری از جغرافیای سخت‌گذر منطقه، استراتژی جنگ نامتقارن را برگزید. آریوبرزن با تعداد اندکی از سربازان وفادار خود، در تنگه‌ای که راه ورود به پارس بود، سنگر گرفت تا ثابت کند که حفاظت از تمامیت ارضی، بیش از آنکه به تعداد سپاهیان وابسته باشد، به عمق ایمان و شجاعت مدافعان بستگی دارد.

مقاومت ملی «آریوبرزن» چگونه محاسبه نظامی اسکندر مقدونی را به چالش کشید؟



دریا همواره سنگر دوم دفاعی ایران بوده است

مقاومت ملی ایرانیان تنها محدود به نبردهای زمینی نبوده است. حفاظت از تمامیت دریایی، به ویژه در پهنه نیلگون خلیج فارس، بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ پایداری این مرز و بوم است. از دوران باستان که ایرانیان سیادت دریایی خود را در دریای مکران و خلیج فارس تثبیت کردند، تا قرون معاصر که در برابر استعمار پرتغال، انگلیس و هلند ایستادند، دریا همواره سنگر دوم دفاعی ایران بوده است. انگیزه‌های صیانت از مرزهای آبی، ریشه در درک اهمیت تجارت و امنیت ملی دارد. در هر دوره‌ای که دولت مرکزی مقتدر یا اراده مردمی منسجم وجود داشت، متجاوزان دریایی با شکست‌های سنگین مواجه شدند. اخراج پرتغالی‌ها از هرمز یا پایداری در برابر ناوگان‌های مدرن در سده‌های اخیر، نشان‌دهنده استمرار همان روحیه آریوبرزن‌گونه در پهنه آب‌هاست. تحلیل جنگ‌های تحمیلی در طول تاریخ ایران نشان می‌دهد که همواره یک الگوی ثابت وجود دارد: «وحدت ملی در برابر تهدید خارجی». در دوران نوین نیز، ایران با تهاجماتی روبرو شد که هدفشان تجزیه خاک و گسست پیوندهای ملی بود. اما همان‌طور که آریوبرزن در کوهستان‌های پارس ایستادگی کرد، نسل‌های بعدی نیز در دشت‌های خوزستان و کوه‌های کردستان و پای لاتجرهای پرتاب موشک، حماسه‌های مشابهی را رقم زدند. انگیزه دفاع در این جنگ‌ها، برآمده از یک میراث کهن است که در آن، خاک میهن به مثابه ناموس ملی تلقی می‌شود. در واقع، مقاومت ملی در برابر تجاوز خارجی، به نوعی بازتولید هویت ایرانی در هر عصر است. هر بار که دشمنی برای تعرض زمان بشری، مرز و بوم دندان نشان داده، حافظه تاریخی ملت، نام‌هایی چون آریوبرزن را احیا کرده تا به عنوان الگویی از ایثار و جان‌فشانی، مسیر حرکت را روشن کنند.



معاصرت رهبر شهید و ملت ایران که این روزها در خیابان‌ها قیام کرده‌اند

■ معاصرت داشتن در تاریخ و ادبیات اغلب هم‌زمانی تاریخی فهم می‌شود و نسبت زمانی است که دو پدیده با هم برقرار می‌کنند. در فلسفه اما معاصرت داشتن نسیتی است که آدم با زمانه خودش برقرار می‌کند. معاصرت‌داشتن به معنای درگیرشدن با پرسش‌ها و روح زمانه خود است که با فهم گذشته راهی به پاسخ باز می‌کند. معاصر کسی نیست که کاملاً با مد روز هماهنگ باشد. برعکس، او کسی است که با زمانه خود ناهمخوان است و ازفضا همین فاصله به او اجازه می‌دهد زمانه را «ببیند». دیدن از فاصله این امکان را به انسان می‌دهد که پس و پیش چیزها را ببیند. آنچه در اکنون رخ می‌دهد آینده نامعلومی دارد اما انسان معاصر می‌تواند با اتصال آن پدیده به تجربه‌گذشته، آینده‌اش را تخمین بزند. برای همین آگاهمین انسان دارای معاصرت را به منجمی تشبیه می‌کند که «سوری را می‌بیند که از کپکشان‌های دور به سمت ما می‌آید اما هنوز نرسیده است. او ظرفیت‌ها و خلاهای زمان حال را درک می‌کند» و می‌فهمد آن نور که در راه است چون به اکنون برسد کجا می‌نشیند و چه آینده‌ای را رقم می‌زند.

به نظرم مثال دقیق این تشبیه در زمانه ما سیدعلی خامنه‌ای بود. او آنقدر در زمانه خودش معاصرت داشت که می‌توانست که ۱۳ مرداد ۱۳۴۷، با لباس رزم، کنار حاج قاسم سلیمانی بایستد و رو به لشگر ثارالله کرمان درباره امروز ایران بگوید: *«من در آینده ملتمان آن روزی را می‌بینم که ملت ما به‌عنوان یک ملت شکست‌ناپذیر، ملتی که حمله‌کردن به او، حمله‌کننده را ششیمان خواهد کرد؛ ملتی که تعرض به خود را با قدرت جواب خواهد داد، ملتی که قدرت‌ها سوس حمله و تعرض به او را باید از سر خارج کنند، به این عنوان‌ها ما ملت ایران در چشم ملت‌های دیگر و در تاریخ معرفی خواهیم شد. این برای من مثل روز روشن است».*.

او در این صحنه پیش‌گویی رمالانه نمی‌کند بلکه به معنای دقیق کلمه «محاسبه» می‌کند؛ یعنی اجزای یک معادله را در فرمول می‌گذارد و نتیجه را به دست می‌آورد برای همین برایش مثل روز روشن است!

چه چیزی امکان این محاسبه را به او می‌دهد؟ اتصال امروزی به تاریخ خود! یعنی فهم دقیق از «انسان ایرانی مسلمان انقلابی» از ابتدای تاریخش تا کنون و تخمین آنچه پیش رو دارد.

هر انسانی بنا به تاریخ و جغرافیای خود در یک نظام معنایی زیست می‌کند که انتخاب‌های اکنون او را می‌سازد و آینده‌اش را بر آن اساس رقم می‌زند. این وضعیت مستلزم رفت و برگشت تاریخی است. یعنی معاصرت با زمانه خود مستلزم معاصرت با پیشروهای این معنا هم هست. به تعبیر کبر ککار «یک مسیحی واقعی در قرن نوزدهم باید چنان با رنج‌های مسیح ارتباط برقرار کند که گویی همین لحظه در کنار اوست». اما چرا نمی‌تواند؟ چون انسان اروپایی قرن نوزدهم ترجمه‌ای برای آن رنج در زمانه خود پیدا نمی‌کند.

انسان ایرانی مستلزم استفاده از انتهای قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ اما وضع متفاوتی دارد. او هم‌عصر خمینی و خامنه‌ای شد! رهبرانی که بلد بودند دست انسان امروز را بگیرند و او را تا ابتدای تاریخ حرکت انبیا بکشانند، ترسیمی از یک مبارزه تاریخی با استکبار به او بدهند، یک‌به‌یک رنج انبیا در مسیر این مبارزه را برایش بشمرند، برسانندش به نور رسول الله و آن جهش تمدنی اسلام، یاباورندش پای منبر علی و گوشش را از صدای عدالتخواهی او پر کنند، و بنشانندش بالای تل زینیه به تماشای حسین... به تنی که برای تحقق اراده خدا روی زمین چاک‌چاک می‌شود... خوب که نگاه کرد، دلش که حسایی گر گرفت، عقلش که از حرارت قلبش سرخ شد، برش می‌گردانند به امروز خودش، به سال ۱۳۵۷ خورشیدی، به لحظه‌ای که معنای لبیک یا حسین باید در فرم یک انقلاب ایرانی –اسلامی روی زمین بنشیند و گونه جدیدی از زیستن را برای انسان ایرانی مسلمان بسازد. معاصرت یک چنین چیزی است! خمینی معاصرت داشت که توانست انقلاب خمینی را به عنوان یک معاصرت داشت که توانست انقلاب خمینی را ۳۶سال زند نگهدارد و به نقطه مبارزه با قدرت‌های جهانی برساند. او معاصرت داشت که می‌توانست رفتار مردم‌ش را محاسبه و نتیجه را پیش‌بینی کند! جامعه‌شناسان و فلسفه‌خواندها و دیگر اهالی علوم انسانی چرا به قدرت پیش‌بینی او نرسیدند و این‌روزها را نفهمیدند؟ چون معاصرت نداشتند!

آن‌ها نهنها تلاشی برای فهم اکنون و گذشت انسان ایرانی مسلمان نکردند، بلکه در سبطره آکادمی استعمارزده، تمام تلاششان را برای تاریخ‌زدایی از این انسان کردند و همه پرسششان این بود که این انسان عقیم‌انده قطور از گذشته خودش رهایی پیدا می‌کند و به کاروان مدرنیته می‌رسد! ایران اسلامی برای روشنفکران نهنها امکانی برای ساخت آینده نبود بلکه قیوبندی بود که دست و پایشان را برای رسیدن به انسان آزاد می‌بست!

برای همین از فهم امروز ایران عاجز ماندند.



وحشت حکام خلیج فارس از شورش گرسنگان

رهبان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دهه‌ها پیش، شرط‌بندی کردند که با فروش نفت می‌توانند جوامع مدرن و شکوفایی بسازند. هدفشان این بود که مهاجران را برای کار از سراسر جهان جذب کنند. هر کسی که به دبی یا دوحه سفر کرده باشد، می‌داند این تلاش چقدر موفق بوده است. جمعیت منطقه در ۳۰ سال گذشته بیش از دو برابر شده و حالا به حدود ۶۰ میلیون نفر رسیده و ارزیابی‌ها نیز نشان می‌دهد این روند در دهه‌های پیش رو نیز با شیبی سریع ادامه خواهد یافت.

اما اکنون ورود آنها به جنگ با ایران و همراهی با آمریکا و رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری حکام عرب کرانه جنوبی خلیج فارس را بر همگان آشکار ساخته است. شن‌های داغ و نفت‌خیز بیابان، توسعه کشاورزی را تقریباً غیرممکن کرده و این دولت‌ها را مجبور کرده تقریباً کاملاً به واردات غذا و محصولات غذایی وابسته باشند. بیشتر این واردات از طریق تنگه هرمز انجام می‌شود؛ آبراه باریکی که اکنون به دلیل بسته شدن این تنگه، عملاً امکان تردد را برای کشتی‌ها و شناورهای تجاری به امری محال مبدل ساخته است.

یکی از مقامات کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اخیراً گفت: «البته که نگرانیم». یک مقام دیگر هم اظهار داشت امیدوار است جنگ به زودی تمام شود چرا که اعداد و ارقام مقیاس تهدید امنیتی پیش روی این کشورها را بیش از پیش نشان می‌دهند.

خلیج فارس ، امنیت غذایی ، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، عربستان سعودی ، کشور امارات متحده عربی ، کشور قطر ، کشور بحرین ،

سال گذشته، مجمع جهانی اقتصاد گزارش داد حدود ۸۵ درصد از تمام غذای مصرفی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارداتی است (این رقم در ایالات متحده حدود ۱۵ درصد است). وابستگی خلیج فارس به واردات برای برنج به تقریباً ۱۰۰ درصد و برای غلات به ۹۰ درصد می‌رسد. حدود ۷۰ درصد از تمام واردات غذایی این شش کشور از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ تنگه‌ای که خلیج فارس را به دریای عمان و سپس دریای عرب متصل می‌کند.

با توقف تردد شناورها از تنگه هرمز که یک‌پنجم تأمین نفت جهان از این کانال حدود ۲۰ مایلی عبور می‌کند، قیمت نفت را به بالای ۱۰۰ دلار در شبکه رسانده و قیمت بنزین را افزایش داده است. اما برای کشورهای ثروتمند ساحل مقابل ایران، تهدید بزرگ‌تر کمبود غذا و افزایش سرسام‌آور هزینه‌هایی است که ممکن است ایجاد کند. دولت‌ها هه‌اکنون در حال استفاده از ذخایر استراتژیک غذایی و تغییر مسیر به راه‌های جایگزین زمینی و دریایی هستند تا تأمین غذا را تضمین کنند.

امارات متحده عربی اعلام کرده که ذخایر استراتژیک کالاهای حیاتی‌اش چهار تا شش ماه را پوشش می‌دهد و از ساکنان خواسته هرگونه گران‌فروشی را از طریق خط تلفن اختصاصی گزارش کنند. عربستان سعودی پس از خرید نزدیک به یک میلیون تن گندم در ژانویه، حدود چهار ماه ذخیره گندم دارد. از زمانی آغاز جنگ رمضان تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز حداقل ۹۰ درصد کاهش یافته است. در ۱۲ مارس، شرکت تحلیل دریایی «لویذ لیست» برای اولین بار از آغاز جنگ، هیچ ترددی در تنگه ثبت نکرد. در این بین نرخ حمل‌ونقل و بیمه ریسک جنگ هم به شدت افزایش یافته است. اینکه وضعیت کنونی تنگه هرمز چقدر ممکن است طول بکشد، مشخص نیست. در حالی که کشورهای خلیج فارس با احتمال کمبود دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما در عین حال با یک وضعیت دوگانه نیز دست و پنجه نرم می‌کنند. آن‌ها خودشان غذای زیادی تولید نمی‌کنند، اما نقش مهمی در کمک به تولید غذا در سایر کشورها دارند. این منطقه تقریباً نیمی از اوره جهان را تأمین می‌کند، ماده کلیدی در کودهای نیتروزنی رایج و تولیدکننده عمده آمونیاک، گوگرد و فسفات است. توقف حمل‌ونقل در تنگه صادرات این محصولات را محدود کرده و قیمت جهانی برخی از این اجزای کود را حدود ۲۵ درصد افزایش داده است. این نشانه هشداردهنده‌ای برای تولید محصولات کشاورزی در سطح جهانی است.

خلیج فارس ، امنیت غذایی ، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، عربستان سعودی ، کشور امارات متحده عربی ، کشور قطر ، کشور بحرین ،

«مایکل ووز» پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی که متخصص امنیت غذایی است، می‌گوید: «ما در آستانه یک فاجعه غذایی هستیم و فقط درباره بنزین حرف می‌زنیم». کشاورزان آمریکایی که قبلاً با قیمت‌های نوسانی کالاها، هزینه‌های بالای وام و افزایش هزینه‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کردند به شدت به کود وارداتی وابسته‌اند. کاشت بهار در مارس و آوریل سرعت می‌گیرد و تقاضای کود هم افزایش می‌یابد. هر اختلال پایدار در زنجیره تأمین از خلیج فارس می‌تواند قلب آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد. حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ باعث نگرانی جهانی درباره امنیت غذایی شد، چون این دو کشور حداقل ۳۰ درصد گندم جهان را تأمین می‌کردند (بر اساس داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد). در خلال آن جنگ، بنادر اوکراین مسدود یا تهدید شده بودند، مین‌ها بخش‌هایی از دریای سیاه را پر کرده بودند و فرودگاه‌های این کشور روی پروازهای غیرنظامی بسته بودند. سیلواها پر از غلات بودند. قیمت جهانی گندم ماه بعد به بالاترین حد تاریخی خود رسید. واشنگتن و کی‌یف برای یافتن راه‌های جایگزین صادرات گندم اوکراین که مقصدش خاورمیانه و آفریقا بود دست‌وپا زدند.

اروپا این روزها تاوان کدام خطای راهبردی را می‌دهد؟



بحران شدند.

مسئله فقط این نیست که اروپا اشتباه کرده؛ مسئله این است که این اشتباه، یک اشتباه راهبردی بوده است. یعنی تصمیمی که نه‌فقط یک پرونده خاص، بلکه کل جایگاه اروپا در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. از اقتصاد گرفته تا امنیت، از سیاست خارجی تا انسجام داخلی، همه تحت فشار قرار گرفته‌اند.

در این میان، ایران برخلاف تصور برخی در اروپا، به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده باقی مانده است. این همان نکته‌ای است که اروپا در محاسباتش نادیده گرفت. آن‌ها فکر کردند می‌توانند با فشار و همراهی با آمریکا، ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، اما نتیجه برعکس شد. نه‌تنها ایران از مواضع خود کوتاه نیامد، بلکه شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که هزینه‌ها بیشتر متوجه طرف مقابل شد.

حالا اروپا مانده و مجموعه‌ای از بحران‌ها که هر کدام به‌تنهایی می‌توانند چالش‌برانگیز باشد. از یک‌سو فشار اقتصادی، از سوی دیگر نااطمینانی امنیتی و در کنار آن، کاهش اعتبار سیاسی در سطح جهانی. این‌ها همه نشانه‌های یک انتخاب اشتباه هستند؛ انتخابی که شاید در لحظه ساده به نظر می‌رسید، اما حالا پیچیدگی‌هایش خودش را نشان داده است.

در نهایت، پاسخ به این سؤال که «اروپا تاوان چه چیزی را می‌دهد؟» خیلی پیچیده نیست. اروپا تاوان از دست دادن استقلال تصمیم‌گیری‌اش را می‌دهد. تاوان نادیده گرفتن فرصت دیپلماسی را می‌دهد و مهم‌تر از همه، تاوان اعتماد به بازگرایی را می‌دهد که بارها نشان داده قابل اعتماد نیست.

این یک درس مهم است؛ نه‌فقط برای اروپا، بلکه برای هر بازگرایی که فکر می‌کند می‌تواند با تکیه بر قدرت‌های بی‌ثبات، منافع بلندمدت خود را تضمین کند. واقعیت این است که در سیاست بین‌الملل، اشتباهات راهبردی دیر یا زود خودشان را نشان می‌دهند. اروپا امروز، دقیقاً در حال پرداخت هزینه همان اشتباهات است.

این روزها اگر بخواهیم خیلی دقیق به وضعیت اروپا نگاه کنیم باید بپذیریم که آنچه امروز بر سر این قاره آمده، بیش از آنکه نتیجه یک بحران ناگهانی باشد، حاصل یک رشته تصمیم‌های اشتباه یا به تعبیر دقیق‌تر دشمنی و خصومت آشکار با ایران است. تصمیم‌هایی که در زمان خود شاید کم‌هزینه و حتی هوشمندانه به نظر می‌رسیدند، اما حالا دارند یکی‌یکی صورت‌حساب‌شان را نشان می‌دهند. اروپا امروز تاوان همان لحظاتی را می‌دهد که می‌توانست مسیر دیگری را انتخاب کند، اما نکرد.

در مسئله هسته ای ایران، اروپا این فرصت را داشت نقش متفاوتی بازی کند. نه فقط به‌عنوان یک بازیگر حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان یک میانجی جدی که بتواند دیپلماسی را جلو ببرد و به یک توافق پایدار کمک کند. این ظرفیت هم از نظر سیاسی و هم از نظر تجربه وجود داشت. اما در عمل، اروپا این مسیر را رها کرد و به‌تدریج وارد زمینی شد که قواعدش را آمریکا تعیین می‌کرد، به ویژه دونالد ترامپ که بارها نشان داده بود نه به قواعد پایبند است و نه به متحانش وفادار.

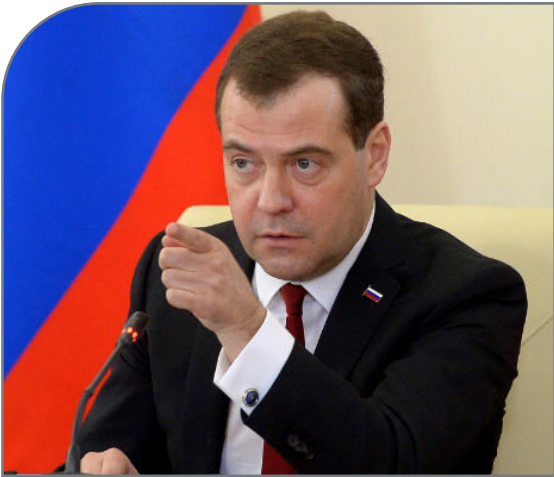
اشتباه اروپا دقیقاً از همین‌جا شروع شد. آن‌ها تصور کردند اگر با ترامپ همراهی کنند، می‌توانند از هزینه‌ها کم کنند یا حتی امتیاز بگیرند. به همین دلیل در مقطعی که باید به دیپلماسی کمک می‌کردند، عملاً در جهت فشار ایران حرکت کردند. حتی فعال‌سازی مکانیسم ماشه هم در همین چارچوب قابل تحلیل است؛ اقدامی که قرار بود نوعی نمایش همسویی با واشنگتن باشد. اما نتیجه چه شد؟ نه‌تنها بحران حل نشد، بلکه پیچیده‌تر هم شد.

جالب اینجاست که خود ترامپ هم هیچ‌وقت این همراهی را جدی نگرفت. او بارها اروپا را تحقیر کرد، آن‌ها را به سوءاستفاده متهم کرد و حتی تهدیدهایی مطرح کرد که در روابط بین متحدان کم‌سابقه بود. این رفتارها نشان داد که از نگاه او، اروپا نه یک شریک، بلکه یک ابزار موقت است؛ ابزاری که تا وقتی به کار می‌آید استفاده می‌شود و بعد کنار گذاشته می‌شود. با شروع جنگ علیه ایران، ابعاد این اشتباه برای اروپا روشن‌تر شد. اولین ضربه، اقتصادی بود. بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در جریان انرژی شوکی جدی به اقتصادهای اروپایی وارد کرد. کشورهایی که به انرژی وارداتی وابسته‌اند، ناگهان با افزایش قیمت‌ها، نااطمینانی و فشار داخلی مواجه شدند. این همان چیزی بود که پیش‌بینی‌اش سخت نبود، اما جدی گرفته نشد.

در کنار این، یک مشکل دیگر هم خیلی زود خودش را نشان داده است: اوکراین. آمریکا که حالا درگیر یک جنگ جدید شده، تمرکزش را تغییر داده و سطح حمایتش از اوکراین کاهش پیدا کرده است. اروپا مانده و یک بحران امنیتی در شرق قاره که برای مدیریت آن، به‌شدت به واشنگتن وابسته است.

از آن طرف، بحث ناتو هم دوباره زیر سؤال رفته است. وقتی ترامپ از احتمال خروج یا کاهش تعهد آمریکا حرف می‌زند، طبیعی است که کل ساختار امنیتی اروپا دچار تزلزل شود. ناتویی که قرار بود ستون امنیت این قاره باشد، حالا خودش تبدیل به یک نقطه نگرانی شده است. این یعنی همان چیزی که اروپا سال‌ها برای ساختن هزینه کرده بود، حالا دارد به‌آرامی فرسوده می‌شود.

اگر همه این‌ها را کنار هم بگذاریم، یک تصویر روشن به دست می‌آید: اروپا در برابر ایران دچار یک اشتباه محاسباتی جدی شده است. آن‌ها فکر کردند می‌توانند با بازی در زمین ترامپ، هم منافع خودشان را حفظ کنند و هم از تنش‌ها دور بمانند. اما در عمل، نه‌تنها به این هدف نرسیدند، بلکه خودشان هم وارد همان



جنگ علیه ایران، اختلافات اعضای ناتو را افزایش داد

دیمیتری مدودف در کانال خود در پیام‌رسان روسی مکس نوشت: مقامات سیاسی اروپا به ویژه در بروکسل، به طور جدی در حال بررسی ایجاد یک بخش تمام عیار نظامی در اروپا هستند که این وضعیت، چشم‌انداز این اتحاد را تغییر می‌دهد.

وی افزود: تا به حال، شرایط عضویت در اتحادیه اروپا نسبت به همه همسایگان، حتی با اوکراین، آسان بوده است اما اکنون همه چیز تغییر خواهد کرد، زیرا اکنون اتحادیه اروپا دیگر یک اتحادیه اقتصادی نیست.

معاون رئیس شورای امنیت روسیه خاطرنشان کرد: اتحادیه اروپا می‌تواند به سرعت به یک اتحاد نظامی تمام عیار و بسیار خصمانه با روسیه تبدیل شود که به نوعی بدتر از ناتو است.

وی ادامه داد: سازوکار جدید، یک ائتلاف منزجر کننده اروپایی خواهد بود و وظیفه آنها به دست آوردن سرمایه سیاسی و البته غارت با دامن زدن به روحیه روس ستیزی خواهد بود.

مدودف تصریح کرد: زمان آن فرا رسیده است که نگرش تساهل آمیز برای پیوستن به اتحادیه نظامی – اقتصادی اروپا را کنار بگذاریم، از جمله کشور اوکراین.

وی بدون نام بردن از ارمنستان که به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپا است، گفت: این موضع توسط مقامات ارشد روسیه به روشنی بیان شده است که عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و عضویت در اتحادیه اروپا ناسازگار است.

رئیس‌جمهور سابق روسیه در بخش دیگری از این مطلب پیش‌بینی کرد که با وجود لفاظی‌های واشنگتن، ترامپ و آمریکا از ناتو بیرون نخواهند آمد؛ دلیلی برای این کار وجود ندارد و کنگره نیز اجازه نمی‌دهد.

وی در ادامه کاهش سطح مشارکت و گستره نیروهای آمریکایی در ناتو را محتمل دانست.

آمریکا و رژیم صهیونیستی، روز نهم اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶) با تجاوز به خاک ایران، آیت الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و تعدادی از مقامات ارشد نظامی و مردم را به شهادت رساندند. بیش از ۱۷۰ دانش‌آموز نیز در بمباران مدرسه میناب توسط آمریکا به شهادت رسیدند.

ایران در چارچوب حق قانونی خود برای دفاع مشروع، سرزمین های اشغالی و پایگاه های آمریکا در منطقه را هدف قرار داد و مانع عبور کشتی های وابسته به تل آویو و واشنگتن از تنگه هرمز شد. گروه های مقاومت عراق و لبنان در حمایت از ایران به مقابله با تهاجم دشمن صهیونیست و آمریکای جنایتکار پرداختند. پیشتر، مقاومت یمن اعلام کرده بود که در زمان مقتضی به این عملیات خواهد پیوست.

نقطه کوری که شکست ترامپ مقابل ایران را رقم زد



اوکراین هم همین طور

نویسنده به شکست دیگر ترامپ در اوکراین اشاره می‌کند. ترامپ واقعاً نمی‌فهمد چرا نمی‌تواند کاری کند که روسیه و اوکراین زود به توافق برسند. اما این موضوع تقریباً برای همه جز خودش قابل درک است. اوکراینی‌ها به استقلال کشورشان باور دارند. پوتین هم به همان اندازه به «روسیه بزرگ» که شامل اوکراین می‌شود، دل بسته است. به همین دلیل این جنگ هرچند فاجعه‌بار است، اما عجیب و بی‌سابقه نیست. فقط برای کسی عجیب است که فکر می‌کند همه چیز فقط به سود و زیان خلاصه می‌شود.

فاینشال تایمز می‌نویسد: ترامپ درباره آمریکایی‌هایی که در جنگ اسیر یا مجروح می‌شوند هم شوخی‌های بی‌احترامانه زیادی کرده است. با این حساب، چطور می‌تواند خارجی‌هایی را درک کند که چنین فداکاری می‌کنند؟ بدبینی سادهلوحانه این روزنامه معتقد است گاهی بدبینی آنقدر زیاد می‌شود که تبدیل می‌شود به سادهلوحی. اگر ترامپ قبول نداشته باشد که مردم اغلب از روی اعتقاد عمل می‌کنند، او «واقعیین» یا «زند» نیست. او فقط یک تصویر غلط از جهان دارد. و به همین دلیل است که حالا می‌بینیم در برابر رویدادهای جهانی، دستش خالی است.

حتی همکاران خودش هم می‌گویند که او در برابر باورهای محکم دیگران سر درگم می‌شود. استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، گفته که رئیس‌جمهور برایش «عجیب» بود که ایران وقتی ارتش آمریکا در منطقه مستقر شد، تسلیم نشد. ویتکاف گفته: «نگار سخت است که آنها را به آن نقطه برسانی.» فاینشال تایمز با کنایه می‌نویسد:

روزنامه فاینشال تایمز در تحلیلی نوشته است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، یک نقطه کور بزرگ دارد: او نمی‌تواند باور کند

که کسی صرفاً به خاطر یک باور یا آرمان دست به کاری بزند. به گفته این روزنامه، همین نقطه کور است که شکست‌های او در سیاست خارجی، به ویژه در جنگ با ایران، را توضیح می‌دهد.

نویسنده این یادداشت برای روشن کردن حرفش، سراغ رابرت مولر رفته است: همان بازپرس ویژه‌ای که چند سال پیش کارزار تحقیق درباره ارتباط کمپین ترامپ با روسیه را رهبری می‌کرد.

فاینشال تایمز می‌نویسد: اگر کسی بخواهد نقطه مقابل ترامپ را پیدا کند، رابرت مولر بهترین نمونه است. مولر بیشتر عمر حرفه‌ای خود را در خدمات عمومی گذراند؛ کاری که پول چندانی نداشت.

او به تفنگداران دریایی آمریکا پیوست چون دوستش در همان نیرو کشته شده بود، نه به این دلیل که این ائتلاف نیفتاده بود. بعد از مرگ مولر در ماه گذشته، تقریباً در همه آگهی‌های ترحیم او، یک کلمه تکرار شد: «درستکاری». اما واکنش ترامپ چه بود؟ گفت: «خوب است، خوشحالم که مرده است.»

فاینشال تایمز می‌گوید این حرف ترامپ شاید فقط از روی کینه نبوده، بلکه نشان می‌دهد او اصلاً نمی‌فهمد کسی مثل مولر با چه ارزش‌هایی زندگی می‌کند. و این، همان نقطه کوری است که ترامپ را در جاهای دیگر هم به دردرس انداخته است.

چرا ایران تسلیم نشد؟

به نوشته این روزنامه، اگر ایران بیشتر از آنچه ترامپ انتظار داشت مقاومت کرده، به این خاطر است که ایرانی‌ها واقعاً به چیزهایی باور دارند. بقای انقلاب اسلامی یکی از آن چیزهاست. برای کسانی هم که در نظام ایران کمتر مذهبی هستند، غرور ملی یک باور مهم دیگر است. نفرت از آمریکا و اسرائیل هم باوری است که در تهران قدرت محرک دارد. فاینشال تایمز تأکید می‌کند که برای قبول این واقعیت فقط کافی است آدم ببذرد که این باورها وجود دارند و آدم‌ها را به حرکت درمی‌آورند.

اما ترامپ نمی‌تواند خود را جای کسی بگذارد که این گونه فکر می‌کند. او یک تاجر است. برای او، شعاری مثل «خون در رگ‌های ما هدیه‌ای به رهبران است» فقط شعارهای ابتدایی یک مذاکره است؛ همان قدر که برای یک فروشنده، قیمت گزاف اولیه فقط شروع چانه‌زنی است. این که ایران واقعاً منظورش را جدی می‌گوید – این که اصلاً کسی نتواند چیزی را جدی بگیرد – برای ترامپ باورنکردنی است.

دارایی‌های وطن‌فروشان تاریال آخرمصادره می‌شود



بیگانه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کنند، باید بدانند که تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و اموالشان مصادره خواهد شد.

رئیس کمیسیون اصل نود مجلس همچنین به موضوع همکاری برخی ایرانیان خارج از کشور با دشمن اشاره کرد و گفت: دادستانی کل کشور نیز طی اطلاعیه‌ای هشدار داده است که هرگونه همصدایی و همراهی ایرانیان مقیم خارج با آمریکا و اسرائیل علیه امنیت ملی، مستوجب مصادره کلیه اموال آنها در داخل کشور است.

پژمانفر با تأکید بر اینکه این اقدامات باید به صورت جدی پیگیری شود، افزود: نمی‌گذاریم افرادی که در خارج از کشور با دشمن همکاری می‌کنند و در داخل کشور دارای سرمایه و اموال هستند، از این قانون فرار کنند. مردم به‌درستی خواستار برخورد با این افراد هستند و ما نیز از این مطالبه حمایت می‌کنیم.

هشدار به خائنان پشت مرزها: از آن سوی آب، اموالتان را در این سوی آتش مصادره می‌کنیم

وی در پاسخ به این سوال که برخی ممکن است نسبت به شدت

رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با تأکید بر اینکه قانون تشدید مجازات جاسوسی خلأهای قانونی را مرتفع کرده، گفت: مردم خواستار مصادره اموال وطن‌فروشان و همکاران با کشورهای متخاصم و اسرائیل هستند و دستگاه قضایی باید این مسیر را تا انتها پیگیری کند.

نصرت‌الله پژمانفر، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی که به مناسبت پیگیری مطالبات مردمی برای برخورد با عوامل نفوذی انجام شد، با اشاره به حساسیت شرایط کنونی کشور اظهار داشت: امروز ایران درگیر یک جنگ تمام‌عیار با آمریکا و رژیم صهیونیستی است و در چنین شرایطی، هیچ اولویتی بالاتر از حفظ امنیت ملی و مقابله با خائنینی که با دشمن همکاری می‌کنند، وجود ندارد. وی افزود: مجلس شورای اسلامی قانون تشدید مجازات جاسوسی را مهرماه سال گذشته تصویب کرده و اکنون لازم‌الاجرا است.

پژمانفر با اشاره به استقبال مردم از این قانون، تأکید کرد: مردم به‌درستی خواستار مصادره اموال افرادی هستند که با کشورهای متخاصم و اسرائیل همکاری کرده‌اند و این مطالبه به‌حق است. هرگونه همراهی با دشمن؛ مصادره اموال، خط پایانی بر دارایی خائنانمانیده مردم مشهد و کلات در مجلس با اشاره به ماده ۲ این قانون، تأکید کرد: بر اساس این قانون، هرگونه همکاری اقتصادی، مالی، فناوریانه، اطلاعاتی یا هر نوع همراهی دیگر با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم، جرم محسوب می‌شود و مجازات آن مصادره تمام اموال است. پژمانفر تصریح کرد: این قانون به صراحت آمریکا و رژیم صهیونیستی را به عنوان دولت متخاصم معرفی کرده و شورای عالی امنیت ملی نیز مرجع تشخیص سایر دولت‌ها و گروه‌های متخاصم است؛ بنابراین دیگر هیچ ابهامی در این زمینه وجود ندارد و دستگاه قضایی باید بدون هرگونه ملاحظه‌ای این قانون را اجرا کند.

رئیس کمیسیون اصل نود با اشاره به اظهارات اخیر رئیس قوه قضاییه مبنی بر لزوم اجرایی شدن این قانون و مصادره اموال جاسوسان، گفت: این موضع‌گیری جای تقدیر دارد و اقدامات خوبی در این زمینه آغاز شده است. اما انتظار بر این است که این مسیر تا انتها پیگیری شود و تمام افرادی که با دشمن همکاری کرده‌اند، مشمول این قانون شوند. حتی پس از پایان جنگ نیز این قانون باید با قوت ادامه یابد و هیچ توجیهی برای ممانعت با خائنان وجود ندارد.

فقط جاسوسی اطلاعاتی نیست؛ همکاری رسانه‌ای و تبلیغاتی هم در تیررس قانون

پژمانفر در ادامه با استناد به تبصره‌های این قانون، به تشریح ابعاد آن پرداخت و اظهار داشت: قانون تشدید مجازات جاسوسی صرفاً محدود به جاسوسی اطلاعاتی نیست؛ بلکه هرگونه اقدام عملیاتی، نظامی، امنیتی و حتی اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی که به نفع دشمن و به قصد مقابله با امنیت ملی باشد، در مشمول این قانون قرار می‌گیرد و عاملان آن مشمول مصادره اموال خواهند شد.

وی تأکید کرد: در شرایط کنونی که دشمن از همه ابزارهای خود برای ضربه زدن به نظام استفاده می‌کند، حتی کسانی که با شبکه‌های معاند همکاری رسانه‌ای دارند یا با دریافت وجه از سرویس‌های اطلاعاتی

تشدید تنش در تنگه هرمز به قیمت رفاه غرب و شرق جهان تمام می‌شود



محوری در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. ایران، با برخورداری از دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان (حدود ۱۱۳۴ تریلیون فوت مکعب) و سومین ذخایر بزرگ نفت (حدود ۲۰۹ میلیارد بشکه)، موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی دارد. تسلط بر تنگه هرمز، به عنوان یک گلوگاه حیاتی برای تجارت انرژی جهانی، به ایران امکان می‌دهد تا نقشی اساسی در سیاست‌های انرژی منطقه ای و جهانی ایفا کند.

در میان همسایگان، قطر با ذخایر عظیم گازی (۸۷۱ تریلیون فوت مکعب) سکوی سوم جهان است و با تمرکز بر صادرات گاز مایع (LNG)، بازیگر ویژه‌ای در بازار محسوب می‌شود. در مقابل، عربستان سعودی با ۲۶۷ میلیارد بشکه نفت، دومین دارنده ذخایر نفتی جهان است و نقش کلیدی در قیمت گذاری نفت دارد. اگرچه ذخایر گازی عربستان (۲۱۳ تریلیون فوت مکعب) در رتبه هشتم جهانی قرار دارد، اما این کشور می‌تواند در کنار قطر، نقش مکملی در تأمین امنیت انرژی منطقه ایفا کند.

کشورهای عراق، امارات متحده عربی و کویت به ترتیب با ذخایر نفت ۱۴۵، ۱۱۳ و ۱۰۲ میلیارد بشکه، در رتبه های پنجم تا هفتم جهانی قرار دارند و به عنوان دیگر تأمین کنندگان اصلی انرژی جهانی فعالیت می‌کنند. امارات متحده عربی با ۲۱۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز، در رتبه نهم جهانی قرار گرفته و کویت نیز با ۶۰ تریلیون فوت مکعب گاز ۱۰۲ میلیارد بشکه نفت، در رتبه های ۱۸ و ۷ جهانی قرار دارد. بحرین با ذخایر نفت و گاز بسیار کم (۱۲۰ میلیون بشکه نفت و ۲ تریلیون فوت مکعب گاز)، نقش محدودتری در منطقه دارد و بیشتر به عنوان یک کشور کوچک در منطقه خلیج فارس با اثرگذاری کم شناخته می‌شود. این توزیع ذخایر، منطقه خلیج فارس را به یکی از مهم ترین مناطق تأمین انرژی جهانی تبدیل کرده است، به طوری که این کشورها به عنوان بخشی از سیستم جهانی انرژی، بر قیمتگذاری و تأمین نفت و گاز در سطح جهانی تأثیرگذار هستند.

اگرچه نقش تنگه هرمز و منطقه خاورمیانه در حوزه انرژی بسیار پر رنگ است، اما نباید از اهمیت و تأثیرگذاری محصولات ثانویه و پایین دست هیدروکربن ها مانند اوره (که افزایش قیمت ۴۶ درصدی را در دوره یک ماهه جنگ متحمل شده است)، آمونیاک و ... به سادگی عبور کرد. این محصولات نقش مهمی در صنایع مختلف، از جمله کشاورزی، ایفا می‌کنند و تنگه هرمز، به عنوان مسیری حیاتی برای تجارت این محصولات، امنیت غذایی جهانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وضعیت جنگی پیش رو و آثار آن بسته شدن تنگه هرمز و آسیب به زیرساختهای انرژی منطقه، پیامدهای فاجعه باری برای اقتصاد جهانی در پی خواهد داشت. تنگه هرمز، گلوگاه حیاتی برای انتقال هیدروکربن ها از خلیج فارس به بازارهای جهانی است و اختلال در عبور و مرور کشتیها در این تنگه، می‌تواند به سرعت عرضه جهانی نفت و گاز را کاهش دهد و قیمت‌ها را به شدت افزایش دهد. در میان آبراهه های استراتژیک جهان، تنگه هرمز که تنها خروجی دریایی خلیج فارس به آب های بین المللی است، یک نقطه ترانزیت اجتناب ناپذیر برای صادرات انرژی منطقه است.



قیمت نجومی بنزین سبک زندگی آمریکایی‌ها را تغییر داده است

■ به نقل از روزنامه آمریکایی یو اس ای تودی، قیمت بنزین در آمریکا به میانگین ملی ۴ دلار در هر گالن (تقریباً ۳.۷ لیتر) رسیده که بالاترین رقم از آگوست ۲۰۲۲ است. این افزایش پس از حمله دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به ایران در فوریه ۲۰۲۶ رخ داد و بزرگترین جهش یک‌ماهه تاریخ را رقم زد.

این گرانی، رانندگان و صاحبان مشاغل کوچک را در سراسر آمریکا مجبور به کاهش سفر، افزایش قیمت‌ها و بازنگری در رفت‌وآمد روزانه کرده است. سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا قصد دارد با معافیت موقت استفاده از اتانول در بنزین، قیمت‌ها را در ماه مه کمی کاهش دهد.

از نیویورک تا کالیفرنیا، فلوریدا تا نیوجرسی، اعداد قرمز کوچک روی تابلوهای پمپ بنزین‌ها به آمریکایی‌ها یادآوری می‌کند که رانندگی بسیار گران‌تر شده است. میانگین قیمت بنزین در سراسر کشور به ۴ دلار در هر گالن رسیده که بالاترین رقم از ۸ آگوست ۲۰۲۲ است.

اما تنها قیمت بالا مسئله نیست، بلکه سرعت افزایش آن هم شوکه‌کننده است. در تنها یک ماه، قیمت‌ها ۱.۰۵ دلار جهش کرده که بزرگترین افزایش یک‌ماهه در تاریخ ثبت‌شده محسوب می‌شود.

گرانی بنزین چطور زندگی روزمره آمریکایی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؟ رانندگان می‌گویند این افزایش قیمت، روش زندگی، کار و سفرشان را دگرگون کرده است. هزینه‌های بالای رفت‌وآمد، درآمد آن‌ها را کاهش داده و دیدار از خانواده یا تعطیلات رفتن را سخت‌تر کرده است.

آمیت ورما از ویرجینیا دارد به کلی رانندگی را کنار می‌گذارد. او ۷۰ دلار برای یک باک بنزین ماشینش پرداخت و حالا ترجیح می‌دهد با مترو برود، هرچند ۱۵ دقیقه بیشتر طول بکشد. او می‌گوید: «به نظر می‌رسد دولتی‌ها خودشان این مشکل را برای خودشان ایجاد کردند و حالا مردم باید هزینه آن را بپردازند.»

داگ گاستر، باغبان ۷۱ ساله در ساکرامنتو، بیش از ۸۰۰ دلار از سود کسب‌وکارش را به خاطر گرانی سوخت از دست داده است. پر کردن یک وانت کارش نزدیک ۱۰۰ دلار آب می‌خورد و علاوه بر آن باید برای دستگاه‌های برگر و پمپ و چمن‌زن هم سوخت بخرد. او گفته در چند هفته اخیر ۵ یا ۶ مشتری را از دست داده چون مجبور شده قیمت‌هایش را بالا ببرد. تاشا هیل که از ویرجینیا تا اورلاندو رانندگی کرده، با دین قیمت ۴.۲۹ دلاری فریاد زد: «این فاجعه‌بار است!» او مائین هیبریدی کرایه کرده تا در هزینه‌ها صرفه‌جویی کند.

در نیویورک، قیمت بنزین گاهی به بالای ۶ دلار می‌رسد. یک راننده تاکسی می‌گوید: «من راننده هستم، راه دیگری ندارم. الان داریم تاوانش را می‌دهیم.»

مردی در مونتئن گفته که دیگر با اسکیت‌برقی به سر کار می‌رود تا هزینه‌های شخصی‌اش پایین بیاید.

اسکایلر مک‌کینلی از یک باشگاه خوروبی می‌گوید: رانندگان معمولاً وقتی قیمت بنزین از ۴ دلار می‌گذرد، عادت رانندگی خود را تغییر می‌دهند. نظرسنجی سال ۲۰۲۲ نشان داد ۶۴٪ رانندگان بلافاصله واکنش نشان دادند: کمتر رانندگی کردند، سفرها را ترکیب کردند یا خرج خرید و رستوران را کاهش دادند. او تأکید می‌کند: «چالش برای سیاست‌گذاران این است که کسانی که بیشتر می‌توانند از پس قیمت بالا بریابند – کارمندان یقه‌سفید دور کار – راحت‌ترین تطابق را دارند. اما افرادی که به مشاغل کم‌درآمد مثل رستوران رفت‌وآمد می‌کنند، بیشترین ضربه را می‌خورند.»



تبعات جنگ به قاره آفریقا هم رسید

■ به نقل از روتترز، دولت‌های آفریقایی افزایش شدید قیمت سوخت را اعمال کرده‌اند، زیرا جنگ ایران قیمت جهانی نفت را افزایش داده و احتمال افزایش تورم را در سراسر این قاره افزایش داده است.

کشورهای آفریقایی بیشتر فراورده‌های نفتی خود را وارد می‌کنند، که همین موضوع آنها را در برابر اختلالات عرضه بسیار آسیب‌پذیر می‌کند. در غنا، سازمان ملی نفت، حداقل قیمت اجباری (کف قیمت) را برای بازه قیمت‌گذاری ۱ تا ۱۵ آوریل افزایش داد که منجر به افزایش حدود ۱۵ درصدی قیمت بنزین به ۱۳.۳۰ سدی (۱.۲۱ دلار) در هر لیتر و افزایش حدود ۱۹ درصدی گازوئیل به ۱۷.۱۰ سدی شد.

جان ماهاما، رئیس‌جمهور غنا، گفت که دولت در حال بررسی اقداماتی برای حمایت از مصرف‌کنندگان است، از جمله کاهش حاشیه سود سوخت و بازنگری در مالیات وضع‌شده بر فراورده‌های نفتی.

او همچنین احتمال توافق رسمی تأمین سوخت با پالایشگاه دانگوت نیجریه برای تأمین منابع جایگزین فراورده‌های نفتی تصفیه‌شده را مطرح کرد. غنا حدود ۷۰ درصد سوخت تصفیه‌شده خود را وارد می‌کند. در مالاوی، سازمان تنظیم مقررات انرژی (MERA) افزایش‌های شدیدتری اعمال کرد و قیمت بنزین را ۳۴ درصد به ۶.۶۷۲ کواچا (۳.۸۹ دلار) در هر لیتر و قیمت گازوئیل را ۳۵ درصد به ۶.۶۸۷ کواچا از روز چهارشنبه افزایش داد.

مرجع تنظیم مقررات آب و انرژی تانزانیا سقف قیمت جدیدی برای بنزین در دارالسلام به میزان ۳۸.۲۰ شیلینگ (۱.۴۹ دلار) در هر لیتر تعیین کرده که نسبت به مارس ۳۳ درصد افزایش دارد. گازوئیل نیز ۳۳ درصد افزایش یافته و به ۳۸.۲۰ شیلینگ رسیده است.

واکنش هنرمندان به یاهو گویی ترامپ



داخلی بی‌پایان، برای چند نسل ناامنی، تفرقه، فقر و فلاکت، تجزیه، میلیون‌ها کشته و زخمی، بیمار روانی، آواره، انحطاط و عقب‌ماندگی و ... از طرف دیگر مگر نیروهای مسلح ما از کره دیگری آمده‌اند؟ تماماً با بودجه متعلق به عموم ما سازمان یافته و تجهیز شده‌اند. این مدافعان تکتیک از خود ما و مثل ما هستند. فرماندهان و سربازان و درجه‌داران ما، همسایگان، فامیل، دوست، همشهری و هم‌وطن ما هستند که این‌طور محکم ایستاده و پا جان و دل از تمامیت کشور در مقابل این هجوم هذفدار دفاع می‌کنند. این‌ها که بیش از همه در معرض خطرند، خانواده خصوص فرزندانشان که به مراتب بیشتر از ما نگرانی و اضطراب دارند؛ هم از دوری آنها و هم احتمال بیشتر شهادتشان. ضمن آن که خانواده آن‌ها هم عین ما و در کنار ما زیر همین بمباران‌ها زندگی می‌کنند.

دشمن با برنامه دقیق و بسیار حساب‌شده، از مدت‌ها قبل و پس از دفاع غافلگیر کننده و بی‌گیر با پاسخ کوبنده‌ای که باعث اعجاب و حیرت جهان و سبب تحقیر و پرت‌وپلاگویی دشمن شده است، ذهن بعضی را به نفع خود تسخیر کرده و جهت داده و با پرسج‌های ناروا، فرماندهان خبره و دانشمندان دفاعی را هدف ترور فیزیکی و مدافعان مظلوم کشور ما را مورد لعن، تمسخر و حمله تبلیغاتی شدید قرار داده است تا آن‌ها را در منظر عام بی‌قدر و دلسرد کند. غافلان، ناآگاهانه و احساسی و جاسوسان وطن‌فروش آگاهانه با این امر ناپسند و ضد امنیت ملی همراه شده به گسترش آن دامن می‌زنند.

در این روزهای سرنوشت‌ساز بیش از پیش باید مراقب این ترفندهای کهنه جنگی باشیم.

تکتک ما ایرانیان، با تمام نقد و انتقادهای به‌حق، اختلاف نظر‌ها، دیدگاه‌ها، سلایق، دین و مکتب و مرام، رنگ و لهجه و قوم و قبیله و سطح درآمد و... ایرانی هستیم و با تکتک سلول‌ها وطن‌پرست، همه با هم در پناه مرزهای این کشتی بزرگ متین به نام نامی ایران هستیم. بی‌شک هر گونه خلل و شکاف در اتحاد آن خدای ناکرده همه را غرق می‌کند. چیزی که دشمن مکار در کل فرومده، لچوجانه در پی آن است»

بابک خواجه پاشا: تمدن را با بمب نمی‌شود نابود کرد

بابک خواجه‌پاشا کارگردان سینما در واکنش به حرف‌های رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «لطفاً تعریف دقیق‌تری بده. ما زیاد آشنایی با عصر حجر نداریم. ایران در تمدن زاده شده است. تمدن را با بمب نمی‌شود نابود کرد کابوی»

نغمه ثمینی: ما را نمی‌شود به عصر حجر برگرداند

نغمه ثمینی استاد دانشگاه، نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس در واکنش به توهین رئیس‌جمهور آمریکا درباره ایران نوشت: «می‌شود توهین را شنید و خود را به نشنیدن زد. این توهین اما بعد از دو روز از ذهن و جان من نمی‌رود. ما را نمی‌شود به عصر حجر برگرداند.

زمان حافظ نیروگاه برق نبوده اما حافظ تمدن را به کمال سروده؛ در غنچه هنوز و صدت عنذلیب است.»



سیاست‌گذاری در حوزه رسانه و ارتباطات باشد.

وی ادامه داد: جنگ‌های معاصر بیش از گذشته به منازعاتی طولانی و چندلایه تبدیل شده‌اند که در آنها هدف صرفاً پیروزی سریع در میدان نظامی نیست و بیشتر با فرسایش تدریجی توان مادی، روانی و اجتماعی طرف مقابل دنبال می‌شود.

این پژوهشگر گفت: در چنین شرایطی، میدان جنگ از عرصه نظامی فراتر می‌رود و حوزه‌هایی مانند اقتصاد، رسانه، افکار عمومی و ادراکات اجتماعی نیز به بخشی از آن تبدیل می‌شوند؛ ازاین‌رو، فهم جنگ فرسایشی مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد میدانی، شناختی و اجتماعی آن است. جنگ فرسایشی صرفاً بمعنای طولانی شدن یک درگیری نظامی نیست و به وضعیتی اشاره دارد که در آن رقابت میان طرف‌ها به تدریج از عرصه‌نظامی فراتر رفته، به لایه‌های عمیق‌تری از حیات اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه سرایت می‌کند.

وی افزود: در چنین شرایطی، هدف اصلی نه لزوماً پیروزی سریع در میدان نبرد که فرسایش تدریجی توان مادی، اراده‌جمعی، اعتماد اجتماعی و ظرفیت‌های معنایی جامعه‌دشمن است؛ از این جهت جنگ فرسایشی را باید نوعی وضعیت ممتد اجتماعی نیز دانست؛ وضعیتی که در آن جامعه، همان اندازه که ارش‌ها، میدان‌های اصلی رقابت‌اند، پایداری اجتماعی به همان اندازه‌ماهیت می‌یابد.

■ هنرمندانی چون رسول علیزاده، رضا میرکریمی، حسین پاکدل، بابک خواجه‌پاشا و نغمه ثمینی نسبت به یاهو‌گویی‌های روز گذشته دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران واکنش نشان دادند.

رسول علیزاده: با خراب کردن پل‌های این سرزمین ما به ریشه برمی‌گردیم

رسول علیزاده طراح صحنه و لباس در واکنش به یاهو‌گویی‌های اخیر ترامپ یادداشتی نوشت.

متن یادداشت وی بدین شرح است:

«زمانی که شما برای گرم کردن خود حتی به کشف سنگ چخماق هم نرسیده بودید، ما از سنگ و ساروج پل‌هایی می‌ساختیم که هنوز بعد از گذر از هزاران سال می‌توان از آنها گذشت؛ پل دزفول، پلدختر، پل جی، پل لاتیدن و ...

با خراب کردن تمام پل‌ها و پیوندهای این سرزمین، ما باز به ریشه برمی‌گردیم چرا که ریشه ما همان ستون‌های تمدنی است که تاریخ جهان بر آن استوار شده و شما تنها عابران بی‌ریشه‌ای هستید که در مسیر تاریخ سرافکنده و تنگین از آن می‌گذرید.»

واکنش میرکریمی به شهادت تنگسیری

رضا میرکریمی کارگردان سینما در واکنش به شهادت دریابان علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران نوشت: «زنده و جاوید باد نام و یاد سردار شجاع ایرانی شهید رئیس‌علی‌رضا دلآوری‌تنگسیری»

حسین پاکدل: مراقب ترفندهای کهنه جنگی باشیم

حسین پاکدل بازیگر سینما و تئاتر نیز متنی را درباره واکنش‌های برخی به تقابل حملات دشمن و نیروهای دفاعی کشور نوشت: «به شکل طبیعی، محض امنیت و آسایش خود و خانواده و برای اینکه زرد، جانی، غریبه و متجاوز به حریم خانه‌وکاشانه و محل کسب‌وکار ما ورود نکنند، با صرف هزینه زیاد جای‌جای و در هر زاویه آخرین نوع دزدگیر و دوربین و این قسم وسایل پیشگیری نصب می‌کنیم. بعضی سگ‌های شکاری خاص برای ویلا و باغ‌شان می‌خرند. در موارد زیادی نگهبان تمام‌وقت به کار می‌گیرند. کار پسندیده، عاقلانه و بسیار لازم است.

طبعاً احدی در این امر تردید نمی‌کند. حالا اگر کسانی آن امکانات را به عمد از کار بینازند و زمینه برای سرقت اموال و آسیب به اهل بی‌پناشده خانه یا محل کسب فراهم شود تا کوچک و بزرگ از دم مورد تعرض قرار گیرند و دار و ندار را به بنما برند، آدم متعادل، اهل محل یا دوست و کسی از بستگان کوچک‌ترین اظهار خوشحالی می‌کند؟ اگر کرد به او چه می‌گویند و اسم او و کارش را چه می‌گذارید؟ برای این مملکت پهناور و پرنعمت که حکم خانه جمعی ما ایرانیان را دارد امر مراقبت و دفاع به مراتب واجب‌تر و ضروری‌تر است، حالا فکر کنید معدودی کودک، بی‌فکر، بی‌خبر، کینه‌ور یا اجیرشده توسط بیگانه، از این که دشمنانی در حد و اندازه آمریکا و اسرائیل با کمک و همراهی رهبران بی‌اراده وابسته، فرصت‌طلب، بزدل و بی‌خرد چند کشور دیگر به خانه بزرگ و زیبای ما، این میراث کهن تجاوز کرده‌اند و دم به ساعت نیروها و امکانات دفاعی ما را همراه با زیرساخت‌ها، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، کوچه‌بازیان، محل‌های کسب و مسکونی و ... هدف قرار داده مردم عزیزمان را به خاک و خون می‌کشند، ملت، چگونه این بلاهت و خیانت را بیاور کند که قلبی وطن‌فروش از راه دور ایل‌هانه اظهار خوشحالی کنند و یا پادوهای که: این‌ها به عنوان منجی تنها پایگاه‌های نظامی را می‌زنند، به مردم کاری ندارند. هر خسارتی می‌زنند با وقاحت می‌گویند پایگاه نظامی بوده است.

حتی اگر این‌گونه باشد که مطلقاً نیست، این خودفروشان سست منطق فکر نمی‌کنند وقتی نیروهای مسلح کشور با امکانات و پایگاه‌های استراتژیک بازدارنده دشمن منهدم و مملکت بی‌دفاع شد، این زردان حریص متجاوز به راحتی هرچه هست و نیست را غارت نموده و مردم را به پهنه‌های واهی قتل‌عام می‌کنند؟ کاری که به دفعات با کشورهای دیگر کرده‌اند و غیر از ایجاد جنگ‌های



برای اولین بار در سریال جنگی بازی کردم

■ محمد نادری بازیگر سریال «بیگانگان» که ۲ شخصیت را در این سریال بازی می‌کند درباره نقش یک فرمانده داعشی در قصبه به خبرنگار مهر بیان کرد: من هم نقش سعید را در سریال داشتم که کارخانه‌دار است و هم بازی در نقش یک فرمانده داعشی را عهده دار بودم که ابوخلو نام داشت. نقش ابوخلو سخت و چالشی بود مخصوصاً که باید با لهجه عراقی حرف می‌زدم.

وی اضافه کرد: لهجه عراقی در هر منطقه‌ای به گونه‌ای است، مثلاً خود ما فکر می‌کردیم عرب‌ها گ یا چ یا پ ندارند اما فهمیدیم در لهجه منطقه عراق همه این حروف را هم دارند. سختی کار برای چند برابر بود که باید فصیح هم حرف می‌زدیم. از طرفی برای اینکه صدای این ۲ شخصیت چندان مشابه نباشد صدای ابوخلو با هوش مصنوعی تغییراتی داشت.

نادری با اشاره به دیگر تغییرات این دو شخصیت عنوان کرد: برای اینکه شباهتی بین ۲ شخصیت نباشد محور بودم در دیگر جزئیات نقش هم تغییراتی به وجود آورم در لحن حرف زدن و نوع راه رفتن که اینها هم به چالش نقش اضافه کرد در حالیکه جذاب هم بود. وی که بیشتر با نقش‌های کم‌دی شناخته می‌شود، اظهار کرد: این سریال اولین کار جنگی من بود و مخاطب پیش از این مرا بیشتر در شمایل کم‌دی می‌شناخته است. در این سریال صحنه‌های سخت زیاد داشتیم و فضایی جدی و چالشی داشت.

نادری درباره قصبه اثر نیز یادآور شد: «بیگانگان» به واسطه جغرافیای محل وقوع که درباره کشور همسایه است و خود ایران هم درگیر می‌شود قصبه‌ای پرکشش است. مخصوصاً که درباره پدیده داعش است که یک باره در منطقه فراگیر شد و از این حیث می‌تواند قصه‌ای عجیب و جذاب باشد. مقوله ظهور و سقوط داعش از منظر دراماتیک جذابیت دارد و نکات بکر و ناگفته را برای فیلم‌نامه‌نویس و دیگر عوامل ایجاد می‌کند.

وی در پایان گفت: در عین حال حضور در یک درام جنگی و اکشن هم برایم جذاب بود. پیش از این هم در سریال «ذهن زیبا» با اکبر تحویلیان به عنوان تهیه کننده کار کرده بودم و این هم دلیل دیگری شد. راما قویدل هم کارگردان کاربلدی است و تکنیک کارگردانی‌اش برایم جذاب است و مجموع اینها باعث شد در این پروژه حضور داشته باشم.



■ حامد عبداللّهی سفیدان پژوهشگر پژوهشکده مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی گفت: ابعاد رسانه‌ای و شناختی جنگ‌ها، از دوران گذشته تا امروز امتداد دارد؛ چنان‌که در جنگ احد، کفار با بخش شایعه شهادت پیامبر مکرم اسلام، جنگ شناختی علیه لشکر مسلمانان رقم زد.

وی ادامه داد: در دوران مدرن با گوناگونی ابزارها و فناوری‌ها، جنگ شناختی در لایه‌های عمیق‌تر پیچیده‌تری جاری است، در جنگ‌های مدرن امروز، شکست در یک جبهه رسانه‌ای و شناختی، بسان از دست دادن بخشی از خاک است؛ چرا که تصاحب افکار عمومی دشمن، ارزشمندتر و اثرگذارتر از تصاحب خاک دشمن است.

این پژوهشگر خاطر‌نشان کرد: در چنین شرایطی، جنگ روایت‌ها به یکی از تعیین‌کننده‌ترین ابعاد منازعات تبدیل شده است؛ جایی که روایت مسلط از واقعیت، می‌تواند بر ادراک جامعه، تصمیم‌گیری نخبگان و حتی روند تحولات میدانی اثر بگذارد. از این منظر، پیروزی در نبردهای معاصر تنها به توان نظامی وابسته نیست، بلکه به ظرفیت مدیریت افکار عمومی، روایت‌پردازی اثرگذار و حفظ انسجام اجتماعی نیز بستگی دارد.

وی یادآور شد: نبرد رمضان را می‌توان نمونه‌ای روشن از این تحول در ماهیت جنگ‌ها دانست. این نبرد، افزون بر ابعاد نظامی و امنیتی، در لایه‌های پیچیده‌تری همچون جنگ رسانه‌ای، جنگ شناختی و رقابت روایت‌ها نیز جریان دارد.

عبداللّهی گفت: در چنین شرایطی، رسانه‌ها، سکوهای ارتباطی و کنشگران فضای مجازی بازیگران این میدان‌اند و عملکرد آن‌ها می‌تواند شکل‌گیری ادراک عمومی از واقعیت جنگ و میزان تاب‌آوری اجتماعی در جامعه تعیین کند.

وی افزود: تشریه «خدا» سوم با عنوان «رسانه و روایت در خط مقدم نبرد رمضان» مجموعه یادداشت‌هایی است برای واکاوی برخی از مهم‌ترین ابعاد رسانه‌ای و اجتماعی نبرد رمضان. این مجموعه می‌کوشد با نگاهی تحلیلی، از سطح توصیف رخدادها فراتر رفته و به پیشنهادهای کاربردی در این زمینه برسد.

این پژوهشگر ادامه داد: در این پارچوب، دو یادداشت نخست به تحلیل نقش سکوهای ارتباطی داخلی تخصیص یافته است. یادداشت‌های مربوط به پیام‌سان‌های ایتا و بله و نیز سکوی رویکا، به ارزیابی ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و چالش‌های این پلتفرم‌ها در شرایط



شب‌هایی که گونی وپرچم هم‌قدم می‌شوند

■ شب بود. مثل همیشه شب. خیابان‌ها پر از جمعیت شده بودند. صدای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» از دور به گوش می‌رسید. مثل همیشه، آسمان شهر رنگ پرچم‌های سبز و سفید و قرمز بود. پلاکاردها و بنرها روی دیوارها، صورت‌های مصمم مردم، مشت‌های گره‌کرده...

و او یک نوجوان. شاید چهارده یا پانزده ساله؛ کسی که سنش را نمی‌شد از روی صورت فهمید. صورتی که زیر نور چراغ‌های خیابان، رنگ و روی زرد و زمختی داشت. موهای سیاهش به هم ریخته بود. لب‌هایش ترک خورده بود. چشمانش اما، چشمانش سیاه بود و عمیق، مثل چاهی که ته‌اش آب نیست اما هنوز امیدی در آن موج می‌زند.

لباس‌های کهنه و گشادی پوشیده بود که انگار از یک دست دوم‌فروشی خریده بود. یک پیراهن آبی که رنگش رفته بود و یک شلوار خاکی که زانوهایش پاره بود. کفش‌هایی که نوکشان باز بود و بندهای‌شان با نخ‌های رنگی بسته شده بود. پای برهنه‌اش را که می‌دید، زخم‌های کوچک و بزرگی رویش بود، روی شانۀ‌اش یک گونی کهنه بود. همان گونی که تمام روز با آن دور شهر گشته بود. همان گونی که از سطل‌های زباله پلاستیک و کاغذ و قوطی جمع کرده بود. گونی بوی مانده می‌ماند، بوی فاسد، بوی زندگی‌ای که آدم‌ها دورش ریخته بودند و رفته بودند. اما حالا گونی پشت سرش بود و دست چپش پرچم را گرفته بود. پرچم ایران. پرچمی که رنگ‌هایش در تاریکی شب، زیر نورهای خیابان، مثل آتش می‌سوخت.

پرچمی که سایه‌اش روی زمین می‌افتاد و با قدم‌هایش هم‌قدم می‌شد. پرچمی که یک گوشه‌اش پاره بود و لبه‌هایش نخ‌کشیده، اما هنوز سرخ بود، هنوز سبز بود، هنوز سفید بود‌اره می‌رفت. آرام. مثل کسی که عجله‌ای ندارد. مثل کسی که می‌داند به کجا می‌رود. دستش را بالا نگه داشته بود. پرچم را محکم گرفته بود. انگار اگر رهایش کند، تمام دنیا فرو می‌ریزد. انگار اگر رهایش کند، دیگر هیچ چیزی برایش نمی‌ماند. نه امید. نه هویت. نه معنا.

جلوی یک مغازه که شیشه‌هایش پر از پوست‌های قهرمانان این کشور بود، ایستاد. روی دیوار، عکس حاج قاسم بود و عکس دیگر شهید. چراغ‌های نشونی مغازه، رنگ سبز و قرمز روی صورتش می‌انداختند. صدای بلندگو از دور می‌آمد: ملت ایران یکپارچه در برابر استکبار ایستاده است...

لب‌هایش تکان خورد. کلمات از دهانش بیرون آمد: مرگ بر آمریکا. صدایش بلند نبود. اما بود. پشت سرش عده‌ای راه می‌رفتند. شاید توجه نکردند. شاید هم دیدند. یک مرد میانسال با کت و شلوار از کنارش رد شد و نگاهش کرد. یک لحظه. فقط یک لحظه. چشمان مرد پر از چیزی بود که نتوانست بخواند. شاید ترخم بود. شاید احترام. شاید همه این‌ها با هم. بعد رفت.

اما آن نوجوان ایستاده بود. پرچم در دستش بود. چشمانش به جلو خیره شده بود. انگار داشت چیزی را می‌دید که هیچ‌کس دیگر نمی‌دید. شاید آینده را می‌دید. شاید گذشته را. یا شاید فقط داشت فکر می‌کرد به اینکه چرا شب‌ها که همه می‌آیند بیرون و شعار می‌دهند، او هم می‌آید. نه برای اینکه کسی به او بگوید. نه برای اینکه پولی بدهند. نه برای اینکه فیلمش را بگیرند و در شبکه‌ها بگذارند. می‌آمد چون این خاک، خاک خودش بود.

می‌آمد چون پدر و مادرش هم آمده بودند. سال‌ها پیش، قبل از اینکه پدرش بمیرد. پدرش کارگر یک کارخانه بود. یک روز صبح رفت و دیگر برگشت. مادرش هم به دلیل بیماری سرطان رفت. همان‌جا، همان بیمارستان دولتی که دیوارهایش زرد بود و بویش مثل مرگ بود.قبل از اینکه برود، دستش را گرفت و گفت: «تو ایرانی هستی. یادات باشد» یادش بود. هر لحظه. هر قدم. هر شعار. راه افتاد دوباره.

گام‌هایش آهسته بود. گونی روی شانۀ‌اش تکان می‌خورد. هر از گاهی صدایی از داخلش می‌آمد. شاید یک قوطی بود. شاید یک بطری. شاید هم هیچ. شاید فقط هوا بود. اما صدایش می‌آمد. همیشه می‌آمد. مثل یادآوری. مثل اینکه پیدارش کند: «هی، تو هنوز زنده‌ای. هنوز اینجا‌ی. هنوز باید بروی.»

یک ماشین از کنارش رد شد. راننده‌اش بوق زد. شاید به نشانه اعتراض. شاید به نشانه تشویق. نمی‌شد فهمید. اما نوجوان تکانی نخورد. فقط پرچم را محکم‌تر گرفت. انگار می‌خواست بگوید: «من نمی‌ترسم. من اینجا هستم. من نمی‌روم».

به یک چهارراه رسید. جمعیت اینجا پرشت‌تر بود. صدای «الله‌اکبر» بلند شد. بعد «لا اله الا الله». بعد «مرگ بر اسرائیل». صداها مثل امواج در هم می‌پیچیدند و آسمان را پر می‌کردند. نوجوان دهان باز کرد. صدایش از همه کمتر بود. اما می‌گفت. هر کلمه را. یکی‌یکی. انگار هر کلمه یک قطعه از جانش بود که بیرون می‌ریخت. «مرگ بر آمریکا»؛ «ما همه سربازان حسینیم».

یک پسر جوان با گوش در دست، از کنارش رد شد. می‌خواست فیلم بگیرد. نوجوان را دید. گوش‌ی را به سمتش گرفت. اما نوجوان سرش را پایین انداخت. نه از شرم. نه از ترس. فقط نمی‌خواست دیده شود. نمی‌خواست کسی او را ببیند. فقط می‌خواست اینجا باشد. این شب. این خیابان و در میان این جمعیت راه برود.

ساعت‌ها راه رفت. تا وقتی که جمعیت کمتر شد، تا وقتی که صداها خوابید. تا وقتی که چراغ‌های خیابان یکی‌یکی خاموش شدند. ناگهان تنها شد. ایستاد. پرچم هنوز در دستش بود. گونی هنوز روی شانۀ‌اش. شکمش گرسنه بود. امشب هم مثل شب‌های دیگر، نان خشک نخورده بود. شاید فردا صبح یک نان سنگک بخرد با همان پول ضایعات. شاید هم نه. شاید باید منتظر می‌ماند تا پول بیشتری جمع شود.

به آسمان نگاه کرد. هیچ ستاره‌ای دیده نمی‌شد. آلودگی نوری شهر، همه چیز را پوشانده بود. اما او می‌دانست آن بالا چه چیزی هست. می‌دانست این سرزمین چه چیزی دارد.

حمایت‌های ویژه از افراد اوتیسم در بحران



رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: به‌منظور ارتقای دانش تخصصی، بسته آموزشی «بنا بهزیست» شامل آموزش‌های مرتبط با غربالگری، تشخیص، مداخلات تخصصی و مهارت‌های زندگی تهیه و در اختیار مراکز قرار گرفته است.

وی افزود: همچنین بسته آموزشی «روزنه» با هدف توانمندسازی خانواده‌ها و مشارکت فعال آنان در فرآیند درمان و توانبخشی طراحی شده و در اختیار والدین قرار می‌گیرد.

مراکز اقامت موقت

حسینی با اشاره به خدمات مراقبتی گفت: مراکز اقامت موقت برای حمایت از خانواده‌ها رانندازی شده‌اند تا بتوانند به‌طور موقت از مسئولیت‌های مراقبتی فاصله بگیرند.

وی افزود: این مراکز خدماتی شامل مراقبت، توانبخشی، خدمات پزشکی و آموزشی را به‌صورت کوتاه‌مدت ارائه می‌دهند و در حال حاضر در ۹ استان کشور فعال هستند و به بیش از ۱۱۰ نفر خدمات ارائه می‌کنند.

برنامه‌های خانواده‌محور

رئیس سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر نقش خانواده گفت: در برنامه‌های خانواده‌محور، والدین نقش اصلی را در مداخلات ایفا می‌کنند و آموزش‌های تخصصی لازم توسط تیم‌های توانبخشی ارائه می‌شود. وی افزود: در همین راستا، ۹ عنوان کتابچه آموزشی برای خانواده‌ها تدوین شده و «دبیرخانه هم‌اندیشی و توانمندسازی خانواده‌های افراد دارای اختلال طیف اتیسم» نیز با هدف تقویت مشارکت خانواده‌ها رانندازی شده است.

سید جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اینکه اختلال طیف اتیسم یک اختلال عصب‌رشدی است، اظهار کرد: بر اساس گزارش‌های جهانی از هر ۱۰۰ کودک یک نفر به این اختلال اتیسم مبتلاست و افزایش آگاهی جامعه، بهیود ابزارهای تشخیصی و حساس‌تر شدن فرآیندهای ارزیابی موجب افزایش شناسایی این اختلال در سال‌های اخیر شده است.

حسینی با تأکید بر اهمیت دوران طلایی رشد کودک تصریح کرد: تشخیص به‌موقع و مداخلات زودهنگام، نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل علائم و بهره‌مندی کودکان از خدمات آموزشی و توانبخشی دارد و از همین رو سازمان بهزیستی از سال ۱۳۸۰ ارائه خدمات به افراد دارای اختلال طیف اتیسم را آغاز کرده و طی سال‌های اخیر این خدمات به‌طور قابل‌توجهی توسعه یافته است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: با توجه به اهمیت شناسایی زودهنگام، سازمان بهزیستی از سال ۱۳۹۸ اقدام به رانندازی سامانه ملی غربالگری اختلال طیف اتیسم برای کودکان ۲ تا ۵ سال کرده است. وی ادامه داد: این سامانه امکان اجرای آزمون‌های آنلاین و الکترونیکی را برای خانواده‌ها فراهم کرده و والدین، مربیان و سرپرستان قانونی می‌توانند با مراجعه به آن نسبت به بررسی احتمال وجود علائم در کودک اقدام کنند.

مداخلات بهنگام و توانبخشی

رئیس سازمان بهزیستی با اشاره به برنامه‌های مداخلات بهنگام گفت: سازمان بهزیستی به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی ارائه‌دهنده خدمات توانبخشی، بسته‌های متنوعی از خدمات را در دو قالب مرکز‌محور و خانواده‌محور ارائه می‌دهد.

حسینی در تشریح خدمات مرکز‌محور افزود: در حال حاضر ۱۳۲ مرکز روزانه آموزشی و توانبخشی ویژه اختلال طیف اتیسم در ۳۱ استان کشور با بیش از ۱۶۵۵ نیروی تخصصی فعال هستند همچنین ۳۲ مرکز چندمعملولی با کاربری اتیسم با ۵۳۳ نیروی متخصص به بیش از ۵۵۰۰ کودک خدمات ارائه می‌دهند.

وی تصریح کرد: بخش عمده هزینه‌های این خدمات از طریق یارانه‌های سازمان بهزیستی تأمین می‌شود تا فشار مالی خانواده‌ها کاهش یابد.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به رانندازی مراکز ویژه افراد بالای ۱۴ سال گفت: برای نخستین‌بار، مراکز تخصصی توانبخشی روزانه برای این گروه سنی ایجاد شده که خدماتی همچون آموزش، توانبخشی، فعالیت‌های هنری، ورزشی، فراغتی و مراقبتی را به‌صورت یکپارچه ارائه می‌دهند.

توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال

حسینی ادامه داد: در راستای بازگشت افراد دارای اختلال طیف اتیسم به جامعه، ۴۰۸ مرکز حرفه‌آموزی و ۱۳۸ کارگاه حمایتی فعال هستند که خدمات آموزشی، مهارتی و شغلی را ارائه می‌دهند. وی افزود: در این مراکز علاوه بر آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی، شناختی و فعالیت‌های روزمره نیز تمرکز شده و زمینه اشتغال پایدار برای افراد فراهم می‌شود.

بسته‌های آموزشی و توانمندسازی

چگونه انهدام میدان گازی قطر، قلب صنعت فضایی جهان را از تپش انداخت؟



سپر جوشکاری هوافضا: ساخت بدنه آلومینیومی و تیتانیومی ماهواره‌ها نیازمند جوشکاری‌های بی‌نقص است. هلیوم به عنوان «گاز محافظ» (Shielding Gas) در کارخانه‌ها استفاده می‌شود تا از واکنش فلز مذاب با هوای محیط جلوگیری کند.

شریان قطع شده: سقوط امپراتوری هلیوم در راس لفان

تمام این نیازهای حیاتی، به شدت به خاورمیانه گره خورده است. قطر به تنهایی تأمین‌کننده ۳۰ درصد از هلیوم جهان است. اما نکته کلیدی اینجاست: قطر هلیوم را مستقیماً استخراج نمی‌کند.

هلیوم در قطر یک محصول جانبی و انگل سودآور بر پیکر صنعت عظیم گاز طبیعی مایع (LNG) است و تنها با غلظت ۰٫۰۴ درصد در گاز استخراجی یافت می‌شود. مگا پروژه‌های سه‌گانه «هلیوم ۲، ۱ و ۳» در شهر صنعتی راس لفان (Ras Laffan)، با ظرفیت مجموع تولید بیش از ۶۰ میلیون متر مکعب در سال، مستقیماً به استخراج گاز از خلیج فارس وابسته‌اند.

با حمله مستقیم به میدان گازی مشترک و تخریب زیرساخت‌های استخراج و پالایش قطر، تولید LNG متوقف شده و در نتیجه، شیر فلکه هلیوم خاورمیانه به طور کامل و در یک شبانه‌روز بسته شده است. بحران دیگر پشت‌ترافیک تنگه هرمز نیست: بحران در میدا رخ داده است.

بمبهای ساعتی فوق‌سرد کابوس لجستیک در آب‌های جنگی ضربه دوم این جنگ، به ذخایر در حال گردش (In-Transit) وارد شده است. حمل‌ونقل هلیوم یک شاهکار پیچیده مهندسی است که اکنون به پاشنه آشیل صنعت فضا تبدیل شده است.

هلیوم برای صادرات باید تا منفی ۲۶۹ درجه سانتی‌گراد (تنها ۴ درجه بالاتر از صفر مطلق) سرد شده و درون کانتینرهای پیشرفته خلاء (ISO Tanks) قرار گیرد. اما هیچ عایقی در جهان کامل نیست. این کانتینرها دارای یک «پنجره زمانی طلایی» ۳۰ تا ۴۵ روزه هستند.

کشتی‌هایی که پیش از آغاز حملات بازگیری شده‌اند، اکنون در آب‌های ناامن خلیج فارس و دریای عمان سرگرداند. شرکت‌های بیمه از پوشش «پرسک جنگ» خودداری کرده و کشتیرانی متوقف شده است. با گذشت زمان و نفوذ حرارت به داخل مخازن سردکن، فشار بالا می‌رود. برای جلوگیری از انفجار کانتینرها، شیره‌های اطمینان به طور خودکار باز می‌شوند و محموله‌های میلیون دلاری هلیوم که قرار بود موتور فاکون ۹ یا حامل‌های فضایی ناسا را روشن کنند، آرام‌آرام تبخیر شده و در آسمان جنگ‌زده خاورمیانه دود می‌شوند.

عصر یخبندان فضایی: تبعات عملیاتی و اقتصادی

با خروج ۳۰ درصد از عرضه جهانی هلیوم و تبخیر ذخایر روی آب، صنعت فضایی جهان وارد یک «عصر یخبندان» عملیاتی شده است: تریاز استراتژیک و فعال‌سازی DPA: با کاهش شدید ذخایر، ایالات متحده (که خود تولیدکننده هلیوم است) اما با افت ذخایر فدرال روبروست) به بخش کوچکی از خود سوخت (مثلاً متان یا اکسیژن مایع) توسط گرمای تمام هلیوم موجود در آمریکا ملی شده و صرفاً به پنتاگون، نیروی فضایی (USSF) و ماهواره‌های جاسوسی/نظامی اختصاص می‌یابد.

با انهدام میادین گازی قطر، بند ناف هلیومی صنعت فضا قطع شد: بحرانی که پرتاب‌های جهانی را زمین‌گیر کرد.

وقتی شعله‌های جنگ در خاورمیانه زبانه می‌کشند، تحلیلگران اقتصادی معمولاً نگاه خود را به تابلوهای بورس و قیمت هر بشکه نفت خام می‌دوزند؛ اما این بار، بزرگ‌ترین قربانی یک درگیری ژئوپلیتیک تمام‌عیار، نه روی زمین، که در مسیر فضا است. با تأیید اخبار حمله مستقیم به زیرساخت‌های استخراج گاز قطر در میدان مشترک گنبد شمالی (پارس جنوبی) در جریان درگیری‌های اخیر ایران و آمریکا، صنعت فضایی جهان با بزرگ‌ترین بحران لجستیکی تاریخ خود روبرو شده است.

جاه‌طلبانه‌ترین پروژه‌های فضایی بشر، از کیپ کاناورال تا پایگاه‌های پرتاب اروپا، توسط یک بند ناف نامرئی به خلیج فارس متصل‌اند. این بند ناف، جریانی از یک گاز فوق‌سرد، کمیاب و به شدت حیاتی است: هلیوم.

این گزارش تحلیلی، کالبدشکافی دقیقی است از وابستگی مطلق و مرگبار پرتابگرهای فضایی به هلیوم و تبعات ویرانگر قطع این شریان خاورمیانه‌ای بر آینده اقتصاد فضا.

کالبدشکافی یک اعتیاد کیهانی: چرا ماهواره‌ها بدون هلیوم می‌میزند؟

برای درک اینکه چرا غول‌هایی مانند ناسا (NASA)، اسپیس‌ایکس (SpaceX) و اتلاف پرتاب و تأمین (ULA) اکنون در وضعیت هشدار قرمز قرار دارند، باید بدانیم که هلیوم برای یک ماهواره‌بر، حکم خون در رگ‌های انسان را دارد.

نبرد با حفره‌زایی (Tank Pressurization): ماهواره‌ها صدها تن سوخت و اکسیژن مایع را در باک‌های خود حمل می‌کنند. توربوپمپ‌های موتور، در هر ثانیه هزاران لیتر از این مایعات را می‌پلغند. با خالی شدن سریع باک، فضای خالی ایجاد شده (ULage) باید در کسری از ثانیه با یک گاز پرفشار پر شود؛ در غیر این صورت، فشار مخزن افت کرده و پمپ‌ها شروع به مکش حباب‌های گاز می‌کنند (پدیده مهلک حفره‌زایی یا Cavitation) که موتور را در آسمان متلاشی می‌کند. هلیوم تنها گازی است که اولاً با سوخت نمی‌دهد (بی‌اثر است) و ثانیاً در تماس با هیدروژن یا اکسیژن مایع به شدت سرد (منفی ۲۵۳ درجه سانتی‌گراد) یخ نمی‌زند. گازی مثل نیتروژن در این شرایط باافاصله به برفک تبدیل می‌شود.

تنفس و پاکسازی موتور (Purging & Flushing): کیلومترها لوله‌کشی درون ماهواره‌بر پیش از پرتاب باید از هرگونه هوای محیط، رطوبت یا بخار سوخت جاروب شوند. هلیوم پرفشار، به عنوان یک جاروی کیهانی، خطوط را پیش از احتراق و پس از خاموش شدن موتور پاکسازی می‌کند تا از یخ‌زدگی یا انفجارهای ناخواسته (Hard Start) جلوگیری شود. شکار نشتی‌های میکروسکوپی (Leak Detection): اتم هلیوم پس از هیدروژن، دومین اتم کوچک کیهان است. مهندسان مخازن ماهواره‌برها را با هلیوم پر کرده و با طیفسنج‌های جرمی می‌دهد (بی‌اثر است) می‌کنند. هلیوم از میکروسکوپی‌ترین منافذ عبور می‌کند و به مهندسان اجازه می‌دهد ضعیف‌ترین نقاط جوشکاری را پیش از پرتاب ترمیم کنند.



ماجرای حمله به توفیق دارو

کارخانه تولید مواد اولیه دارویی «توفیق دارو» هدف حمله مستقیم موشکی رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفت. این حمله جایتکارانه که با اصابت چندین موشک به تأسیسات این مجموعه انجام شد، موجب تخریب کامل واحدهای تولیدی و بخشهای تحقیق و توسعه این کارخانه راهبردی شد.

شرکت دانش‌بنیان توفیق دارو به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات دارویی ایران و پیشرو در توسعه دانش فنی و تولید مواد اولیه دارویی، نزدیک به سه دهه سابقه فعالیت دارد. این شرکت از سال ۱۳۷۸ فعالیت خود را به‌عنوان یک مجموعه علمی با رویکرد تحقیقاتی، آغاز کرد و در سال ۱۳۸۱، هم‌زمان با ادامه فعالیت‌ها در حوزه تحقیق و توسعه، وارد عرصه تولید مواد اولیه دارویی، پپتیدها و زیست‌شناسی مولکولی شد و با تمرکز بر کشف داروها بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی خود را به مرحله تولید رساند. این مجموعه با سرمایه‌گذاری مستمر در حوزه تحقیق و توسعه، بهره‌گیری از نخبگان و متخصصان جوان و همکاری با مراکز علمی و تحقیقاتی بین‌المللی، نقش محوری در خلق نوآوری‌های اثرگذار در صنعت داروسازی کشور ایفا می‌کند.

این کارخانه مسئولیت تأمین مواد اولیه (API) طیف وسیعی از داروهای بیمارستانی، داروهای مورد استفاده در اتاق عمل و برخی داروهای ضدسرطان را بر عهده داشت. اگرچه در این مجتمع داروی نهایی تولید نمیشد، اما نقش آن در زنجیره تأمین سلامت کشور به‌عنوان یک گلخانه حیاتی تلقی می‌شد زیرا در این کارخانه، مواد دارویی داروهای ضدسرطان، ضدبایت، ضدآرتروز، مشکلات سیستم ایمنی، بیماران مزمن قلب و عروق به طور گسترده‌ای تولید می‌شد، همچنین این کارخانه یکی از مهم‌ترین تولیدکننده‌های مواد دارویی درمان بیماری ام‌اس بود که مورد حمله جایتکارانه دشمنان این سرزمین قرار گرفت.

در شرایطی که رژیم جایتکار آمریکا برخلاف تمام قواعد بین‌المللی و بشردوستانه، همه‌هاست واردات دارو را به کشور تحریم کرده است، جوانان ایرانی با تکیه بر دانش بومی تلاش می‌کنند با تولید داخلی داروهای موردنیاز بیماران خاص و صعب‌العلاج، سد تحریم‌ها را بشکنند و با خودکفایی در تولید داروهای موردنیاز بیماران خاص، مانع از سرگ بیماران برادر کمبود دارو شوند اما رژیم صهیونیستی و آمریکا در ادامه جنایات جنگی خود، بهره‌مندی ایران از دانش بومی تولید داروهای بیماران خاص را نیز تاب نیاوردند و با شلیک موشک به این شرکت تحقیقاتی بزرگ، بر دامنه جنایات جنگی خود افزودند و کارنامه سیاه رژیم صهیونیستی و آمریکا که پیش از این با حمله به مراکز درمانی، آغشته به خون بیگناهان بود، این بار ننگین‌تر و سیاه‌تر از گذشته ثبت شد.

براساس اعلام سازمان غذا و دارو از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران تاکنون، حدود ۲۴ کارخانه دارویی، واحدهای تولید تجهیزات پزشکی و شرکت‌های توزیع‌کننده اقلام حیاتی با آسیب‌های کلی یا جزئی مواجه شده‌اند. در میان این واحدها، چند مجموعه کلیدی که نقش مهمی در تولید مواد اولیه حیاتی داشتند، هدف حملات قرار گرفته‌اند.

همچنین در حالی که حمله به زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی طبق کنوانسیون‌های ژنو به طور کامل ممنوع بوده و جنایت جنگی محسوب می‌شود، طبق اعلام وزارت بهداشت ایران، تاکنون ۲۱۲ مرکز بهداشت، ۲۴ مرکز درمانی، ۵۳ پایگاه اورژانس و ۴۲ دستگاه آمبولانس مورد حمله وحشیانه دشمنان قرار گرفته‌اند.

حمله به مراکز درمانی و دارویی موحی از واکنش‌ها را در فضای مجازی بین مردم و مسئولین برانگیخته است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان به حمله دشمنان به این کارخانه تولیدکننده مواد اولیه دارویی، واکنش نشان داد و نوشت: فکر کردید با شهروندان بی‌دفاع فلسطینی طرفیده؟ شما با ایران طرفید و به‌دست نیروهای مسلح قدرتمند ایران مجازات خواهید شد.

وزارت بهداشت، بهداشت و درمان، سازمان غذا و دارو،

محمدجواد ظریف، وزیرخارجه اسبق کشورمان نیز در تویییت حمله آمریکایی صهیونی به شرکت توفیق دارو را محکوم کرد و نوشت: «پس از یک ماه جنایات جنگی، امروز شرکت تحقیقاتی مهندسی توفیق دارو هدف قرار گرفت. متجاوزان مستأصل که در تحقق توهمت شیطانی خود ناکام مانده‌اند اکنون عاملانه یک تولیدکننده مواد اولیه دارویی، از جمله داروهای بیماران سرطانی، را مورد حمله قرار داده‌اند».

وزارت بهداشت، بهداشت و درمان، سازمان غذا و دارو،

علی جعفریان، جانشین وزیر بهداشت نیز طی یک تویییت این اقدام و جنایت جنگی را محکوم کرد.

وزارت بهداشت، بهداشت و درمان، سازمان غذا و دارو،

همچنین متخصصان دارویی و تجهیزات پزشکی ایران خطاب به نهادهای بین‌المللی طی بیانیه‌ای خواستار توقف حملات به زیرساخت‌های دارویی و حوزه سلامت ایران شدند.

در این بیانیه که به امضای بیش از ۵۴۰ نفر از متخصصان حوزه سلامت کشور رسیده است، حملات ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به مراکز دارویی، زیرساخت‌ها و کارخانجات فعال در حوزه سلامت به شدت محکوم شده است.

امضاکندگان این بیانیه با اشاره به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر و حفاظت از زیرساخت‌های غیرنظامی، از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی خواسته‌اند ضمن محکومیت این حملات، برای جلوگیری از تکرار حمله به زیرساخت‌های دارویی، تجهیزات پزشکی و مراکز فعال حوزه سلامت ایران اقدامات لازم را در دستور کار قرار دهند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۶۶۶۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



کمک به بیماران اوتیسم در جنگ

رئیس سازمان بهزیستی کشور اظهار کرد: بر اساس گزارش‌های جهانی از هر ۱۰۰ کودک یک نفر به بیماری اوتیسم مبتلاست و افزایش آگاهی جامعه، بهبود ابزارهای تشخیصی موجب افزایش شناسایی این اختلال در سال‌های اخیر شده است.

بازی در فیلم جنگی برای اولین بار

محمد نادری: من هم نقش سعید را در سریال داشتم که کارخانه‌دار است و هم بازی در نقش یک فرمانده داعشی را عهده دار بودم که ابوخله نام داشت. نقش ابوخله سخت و چالشی بود مخصوصا که باید با لهجه عراقی حرف می‌زد.

۶

۷

با اسرائیلی‌ها دست ندادیم چون طرف عدالت هستیم

محمد بولیوباشیچ کاپیتان تیم زیر ۲۱ سال بوسنی و هرزگوین که در تساوی بدون گل اخیر این تیم مقابل تیم زیر ۲۱ سال رژیم صهیونیستی در گروه G مسابقات مرحله انتخابی یورو زیر ۲۱ سال، به همراه اکثر هم‌تیمی‌هایش از دست دادن با اسرائیلی‌ها در مراسم پیش از آغاز بازی خودداری کردند، در این خصوص صحبت کرد.

بولیوباشیچ با انتشار پستی در حساب کاربری رسمی‌اش در شبکه اجتماعی «اینستاگرام» در توضیح این اقدام خود و هم‌تیمی‌هایش نوشت: «می‌خواهم در مورد اتفاقات بازی‌مان با اسرائیل اطلاعاتی صادر کنم. اول از همه، می‌خواهم به اعضای تیم ملی‌مان برای راهیابی به جام جهانی ۲۰۲۶ تبریک بگویم! شاد باشید میهن، شاد باشید بوسنی و هرزگوین، شما و مردمتان شایسته این هستید».

او در ادامه نوشت: «به عنوان کاپیتان، با قاطعیت به همه اطلاع می‌دهم که میهن و والدینم هرگز مرا طوری تربیت نکردند که در مقابل کسانی که این جهان را به سمت بی‌برویی و خشونت هدایت می‌کنند، کمر خم کنم. قصد من این بود که با سرمشق خود نشان دهم که کل کشورم چه فکر می‌کند و هر فرد عادی در مورد وضعیت فعلی جهان چه احساسی دارد».

کاپیتان تیم فوتبال زیر ۲۱ سال بوسنی و هرزگوین توضیحات خود را اینطور به پایان برد: «بوسنی همیشه طرف حقیقت و عدالت بوده و خواهد بود. میهنم بوسنی، به آنچه بزرگ کردمای افتخار کن».



سیتی به دنبال تمدید/رتال در کمین

رودری که اخیرا در اظهارنظری بازگشت به لالیگا و بازی با پیراهن رئال مادرید را رد نکرد، حالا خبر می‌رسد که پیشنهاد تمدید قرارداد از باشگاه منچستر سیتی دریافت کرده است. فابریتزیو رومانو خبرنگار سرشناس ایتالیایی و کارشناس نقل‌وانتقالات فوتبال اروپا با انتشار این خبر، عنوان کرد که باشگاه رئال مادرید هم نسبت به جذب رودری علاقه‌مند است و حالا تصمیم‌گیری به عهده این هافبک اسپانیایی و خانواده‌اش است.

طبق ادعای رومانو؛ اگر برنده توپ طلا در سال ۲۰۲۴ پیشنهاد منچستر سیتی برای تمدید قرارداد را رد کند، این باشگاه تابستان پیش‌رو مبلغ هنگفتی برای موافقت با جدایی او درخواست خواهد کرد با اینکه رودری در تابستان ۲۰۲۷ به صورت بازیکن آزاد باشگاه را ترک خواهد کرد.

رومانو پیش از این خبر داده بود که رئال مادرید در حال مذاکره با رودری است چون او یکی از گزینه‌های باشگاه به منظور تقویت خط میانی است، اما هنوز هیچ پیشنهادی ارائه نشده است.

اماکن ورزشی جای امن نسل آینده است

پناهی، پارک آبی آزادگان و ... در حملات متجاوزان آسیب دیده است. من در اینجا از ورزش به عنوان زبان صلح و دوستی یاد می‌کنم.

تاجرنیا ادامه داد: سازمان های بین المللی ضمن محکومیت حملات باید نقش پررنگ تری ایفا کنند و به طرف های درگیر اعلام کنند. هدف قرار گرفتن مراکز ورزشی نقض اصول بین المللی است. باعث نابودی رویاهای یک کودک و قهرمان می شود. از تمام کشورمان که حملات را محکوم کرده اند، قدردانی می‌کنم.

وی افزود: ملت ایران به ویژه جامعه ورزش همراهی تان را به نیکی یاد خواهد کرد. از سازمان های بین المللی می خواهیم اجازه ندهند استادیوم ها و اماکن ورزشی مورد تجاوز قرار گیرند. متأسفانه شرایطی رخ داده که امکان برگزاری مسابقات ورزشی نیست و نگاه فدراسیون فوتبال برای ازسرگیری مسابقات یک عزم جدی است.

وی در مورد وضعیت بازیکنان خارجی تیم فوتبال استقلال نیز گفت: با تمام بازیکنان خارجی در ارتباط هستیم و امیدواریم شرایط عادی شود تا آنها به کشور برگردند.

علی تاجرنیا تاکید کرد: برخورد دوگانه به قواعد بین‌المللی صورت می‌گیرد. اگر کوچک ترین اتفاقی در کشورهای دیگر رخ دهد واکنش سایر کشورها را شاهد هستیم ولی در ایران و اوکراین چنین چیزی را شاهد نبودیم.

سرپرست مدیرعاملی باشگاه استقلال در پایان گفت: با وجود اینکه استقلال با اختلاف در صدر است اما هر تصمیمی که مدیران فدراسیون فوتبال در رابطه با لیگ برتر بگیرند، حمایت خواهیم کرد. فوتبال یک پدیده اجتماعی است و طبیعتا ما باید به نیازهای مردم پاسخ دهیم و هر تصمیمی گرفته می‌شود باید با تصمیم جمعی رخ دهد.

علی تاجرنیا در نشست خبری امروز جمعه ۱۴ فروردین ۱۴۰۵ در محل سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی اظهار داشت: بنا به سنت ایرانیان نوروز و سال جدید خورشیدی را تبریک می‌گویم من نه امروز به عنوان مدیر باشگاه استقلال بلکه به عنوان بخشی از مدیر ورزشی ایران با شما سخن می‌گویم. سالن های ورزشی و استادیوم ها نشان دهنده امید است و ورزش زبان مشترک ملت هاست و نباید این زبان خاموش شود.

وی ادامه داد: علاوه بر شخصیت های سیاسی بسیاری از افراد بیگناه شهید شده اند و بسیاری از اماکن مهم آسیب دیده اند و از بین رفته اند. اماکن ورزشی باید خانه امن برای نسل های آینده باشد. هر زمین فوتبال امید دهنده به نسل جدید است. علی‌تاجرنیا خاطرنشان کرد: حقوق بین الملل بشر دوستانه حفاظت از اماکن ورزشی را مهم دانسته است. طرف های درگیر باید بین اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند و حمله نباید به غیر نظامیان وارد شود. اگر استادیوم ارزش تاریخی داشته باشد ممکن است تحت کنوانسیون حقوق بشری قرار داشته باشد. وی ادامه داد: سالن دوازده هزار نفری بیش از نیم قرن مورد استفاده قرار می‌گرفته است و بخشی از ورزشگاه آزادی است که شاهکار معماری قرن بیستم به حساب می‌آید. هر استادیوم که آسیب می‌بیند آینده یک کودک نابود می‌شود.

وی افزود: تاکید می‌کنیم ورزش ماهیت غیر نظامی دارد و حمله به آنها باید سریعاً متوقف شود. حفاظت از اماکن غیر نظامی یک تعهد بین‌المللی است. حملات به مراکز ورزشی به کودکان اثرات مخربی وارد می‌کند.

سرپرست مدیرعاملی باشگاه استقلال ادامه داد: در ورزشکار مرغوب‌کار هم ترکش های بمب ها دیده می‌شود در صورتی که این ورزشگاه زیر مجموعه آکادمی باشگاه استقلال است. سالن دوازده هزار نفری آزادی. سالن لامرد فارس، استخر قهرمانی مجموعه آزادی تهران. مجموعه ورزشی بعثت، مجموعه ورزشی شهید

